

انسان با داشتن دو قدرت علم و تخیل و انتخاب و اختیار مسئول بر کارها و رسیدن خود است.

صحت این کلام در انتخاب هدف زندگی تقریب بر خداست زیرا غایت همه هدف ها و اعمال خداست.

بعد از شناخت هدف، حاکم بقدری رسیدن بر دیگری ایستاد است.

آیات ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱ سوره آل عمران: در چگونگی جهان زندگی می کنیم؟ چهارم خود فهمند خالق آن حکیم است

که ویژگی «اولی الالباب» در همه حال خدا را یاد می کنند. در آفرینش، در کارها و زمین تقاضای کنند. بجهت خدا اقرار دارند. خدا را تسبیح برانند از خود دانند امنیت از آتش و عذاب را خواهند دانند.

بسیار بودن جهان به حکمت

جهان واقعی دارای نظم و قانونی خاص - اجزا دارای این خصوصیت - هر جزء و بخشی مخصوص دارد که با اجزا و بقیه آن هماهنگی دارد.

که تا خصوصی اصلی و روح حاکم بر همه عوالم دارای نظم، هدف و غایت است که بدون آن پیراستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد.

وجودی آگاه، مدبر و حکیم ابتدا هدف را در نظر می گیرد و متناسب با آن اجزا را ایجاد می آورد و با طرح و نقشه قبلی و بر بنیاد همین عمل می خرد.

مطابق با قدرت الهی. آقان صنیع و نبین خلل و تشکف در کسبی ۸۸/۸۸ - حرکت کوه ها بدون هیچ بی نظمی ای. ۱۳/۱۳ - خلقت حلقه های ماه ها

ویژگی های خلقت با توجه بر نظریه ۹۰ هیچ البلاغه: نبودن سابقه در خلقت - مخلوقات برهانی آفرینداری و تدبیر و دلیل خداوندی اند.

آفرینش مخلوقات بر اساس معیاس و نظم مخصوص و اندازه های مخصوص. هیچ یک از مخلوقات از محدودگی معین تجاوز نمی کنند.

همه اعمال و اقدامات قبل و بعد از خلقت در وجود است بر این جهت بوده است که هیچ یک از مخلوقات از محدودگی معین نده از جانب خدا تجاوز نکنند.

قرآن کریم: جهان را بر حاکمی تدبیر و حکمت الهی متروک می کند.

یا سخ بر این پرسش که «در چگونگی جهان زندگی می کنیم؟» یا یکی جهان این است و بر بنیادها و تقسیم ها موجودات و حیوانات جهت می دهد.

ترتیب ایجاد همه عوالم منظم است در نظر آفرین هدف است وجود درین اجزا طرح و نقشه و بر بنیاد همین است که در این عملها همه حقیق است.

تجزیه غیر سازمان یافته و هدفی خاص است که موجب تولید سازماندهی و هماهنگی می شود.

در کاروان هستی انسان که زلفت و تیره ای دارد زیر کسب انجام او در جهان آخرت رقم می خورد

۱/ یونس به برهان نظم (حکمت) - منزل گاه ماه بیدارسان تقدیر الهی تعیین شده . بدین فریدین حکمت

۴۲۴۱ نفر - هدفندی جبران بر اساس حکمت الهی - تسبیح و تسبیح خدایند و مخصوص همین مخلوقات است - رابری طوی بن علم خدای و فعل است

معنا در بر تو حکمت الهی به با زلفت انسان بجزا

۱۸۳۳ آن عریان به هدفندی مخلوقات - دین در نزد خدا اسلام است - اراده مخلوق در طول اراده خدا - معاد در بر تو حکمت الهی

۲- رابری طوی به هدف جزء کوچک در طول هدف جزء بزرگ قرار دارد و آن نیز در خدمت جزء بزرگتر تا به بهترین هدف برسد  
- عرضی به کمالی ها در دنیا هم و در دنیا هم

۳- هر چه در این نظام بزرگتر می شود قانون مندی که نظم گسترده تری بوجود می آید که نظام ها کوچکتر را در درون خود جای می دهد  
- در این سیستم ها بین مخلوقات با علم و دانش بسوی رابری مستقیم دارد  
- عجز مخلوقات و نظام ها این دنیا به هم پیوسته ، نا محدود و عاقلی نیست

۳/ ملد - نظم و پیوستگی در آفرینش خدا و نبود هیچ شکلی در خلقت (ارتقان صنع)  
۲۲ تا ۶۵/۲۳ - از نشانه های قدرت او ، آفرینش آسمان ها و زمین هر اختلاف زبان ها و رنگ ها و نشانه های شگفتی است ، به راستی در این عبرت برای نادانان  
له از نشانه های خدا بیدتان است بدنس در روز و بیره جستن از فضل او که این عبرتی است برای آنان که کویس نشود دارند  
- از نشانه های قدرت او است که برین را برای بیم و امید بجا نشان می دهد و از آسمان آبی می فرستد و زمین مریه را زنده می کند - عبرت برای کویس که می اندازد  
- آسمان و زمین بد فرمایش بر پا است ، پس هنگامی که نشانه را از زمین فرخواند تا همان جا خارج می شود  
۶۹/ شوی - از نشانه های قدرت او آفرینش آسمان ها و زمین و پراکنده شدن زمینها در آن در آن دولت و عروقت اراده کند قادر بر آوردن آن کالست

۴- نظام واحد جهانی معلول ارتباط و پیوستگی لایه ها و تقسیم ط این آن ها است

- در کاروان هستی هر مخلوقی لهال خود را می جوید و طاهی در تقرب بر می دارد

- شباهت بدن انسان با جهان خلقت در تقویم ارتباط طوی بدلیل هدفی است (ضمن حمایت ارتباط طوی و عرفی در عرو)

- غلبت « قدره منازل » معلولیت « اتعابوا عدد النین و الحساب » برای کویس که می دانند (المعلوم)

- قرآن کریم ، پس از بیا « علم خداوند بر اعمال مخلوقات » از مالیت مطلق خداوند جهان هستی یاد کرده است

«سرمایه خدایان»

۱۷/۱۱ - ارزش کمالی برودت - فهم وی از حقیقت هستی و جلاله انسا در کارها - انفس تسلی داری

۱۷/۱۱ - ارزش از فقرات انسا نزد خدا - خدا با اذاعت بجهت انسا او را بر سر این مخلوق برتری داده - در خود واقع (خود خالی) احاطه بر خلقی و دریا و استغاده از روزی های با لیزه محقق انسان بوده  
۱۱۳ جاییه - فقرات انسا - پیامبران (فرمود: خداوند گفته است: «چرا که او را بر کسی تو از خودم»)

خداوند بر حضرت موسی (ع) نیز فرمود: «تو را برای خود پروردانم»

۲۷ تا ۲۸ - نفس مطمئنه تسلی رسیدن به مقام نبلی و ورود به نیست و دارد. انسان خدا را نفس یافته از خدا راضی و مستوفاند و خدا حکم از آن راضیست - وقتی انسان به هر حال از طمان رسید - نبلی خدا - هدایت به نیست  
۲۹ تا ۳۰ - انسان آزاد و صاحب اراده است - مسئول سر نوشت خویش - خداوند با فرستادن پیامبران (هدایت تسلی) انسا را به صراط مستقیم هدایت کرده - هدف از قرار دادن اختیار برای انسان - آذیت او -

- و دیگرها الهی در انسا:

۱ - سرشت خداست انسا: سرشتی که مخلوقی ها و زبانی ها خداست و انسا در ذات خود و اراده بر او است.

۲ - ۵۲ - فضیلت - وجود سرشت خدا در انسا - هر چیزی که او را در سعاد است بود و خود خدا می دهد و این برای انسا حیوانی حق پس است  
۳ - امام علی (ع): «در هیچ چیز نظر نکردم، مگر این که خدا را قبل از آن و بعد از آن و با آن دیدم»

۱۶/۸ - انفس: توانایی انسا بر در - زبانی در انفس - ان ره بر روح (انفس) انسان و مخلوقی که روح را است بخشنه - که در انفس فطری -

• حیوان فطری: کرایش بر نبلی ها و زبانی ها کسب شده که در مقابل انسا عکس العمل انسا ن داده شود و اگر بر انسا کرده و خود را ملامت کند و در اندیشه حیوان بر او بود  
• قرآن عامل درونی که سبب سرزنش انسا در مقابل انسا می شود را نفس لوده یعنی نفس سرزنشگر نامیده و بیان گویند خورده

• قوه عقل - برترین نعمت - امام علی (ع) از عقل را پیام و حق و درست انسا - خجاست گفته، بهترین ثروت و نزدیکی که به خدا نامیده است  
یعنی تسلی بر اندازه ای که آن در برابر است عقل سخن گفتد و بر اثر زندگی آن تا کند نگردد است.

- عکس و بر این انسا در حصول زندگی از الهامات و امدادها فرستادن نیز دیده می شود  
- انسان با به کارگیری سرمایه های الهی و تسلی دعوت انبیا زبانی ها که ایان و عقل صالح در وجودش تجلی می کند و زندگی سرشار از سرور و نورانی  
را در نیست به دست خدا کند

۳ تا ۴ - انانیت - ویرانی ها سرشت قبلی انسا - توان کسب علم و کمالی و قدرت انتخاب  
۵۴/۵۵ - قدر - جاییه - متعین در نیست و نزد پروردگار است (تقرب الهی)

۱۶۸/۱۶۹ / لقره - و سوسیدی انسان عمل بسقوط انسان است - کلمه مردم را مورد خطاب قرار می دهد - خدا ابتدا انسان ها را به استغفار از روزی های بار و حلال تو صید می کند - « یا صدم » دعوت شیطان به سوی بلیدی - اختیار انسان در رد یا قبول آن راه های نفوذ شیطان در روح جهان انسان - امر به نیکویی - امر به زشتکاری - نسبت دادن چیزها که باطل (بدون علم بر آن) به خدا

۱۶ / اق - نزدیکی خدا به انسان - دو نفس در انسان - سرزشتگر - و سوسیدگر - نفس اماره

۲۰ / قیامت - دنیا دو تسبیح عالمی برای سقوط انسان

۱۶ / یونس - نفس و سوسیدگر انسان را از آخرت دور کرده و بد دنیا تسویح می کند - غفلت از نشانه ها و آیات - نفس اماره باطن به غفلت از معاد راضی بر این دنیا گردیده

موافق دستور و تشکیلی (و فتنه ها انجام لناه) - غفلت بسقوط انسان ها - پرورش زینده ها کنه در خود - دل به دعوت های درونی و بیرونی دادن - از نفس اماره - از درون زبانی می کشد - فرمان دهنده به بدی ها و تحریر کننده ی درونی به نیکه - حضرت علی (ع) : « دلش تنگ ترین دشمن تو همها نفس است که در درون تو است »

۲ - جعل از حقایق قرآنی در جملات و حسیه های بسیاری از آنها و لغزش های می داند برای مبارزه با آن مردم را به فکر و تقوی دعوت می کند - از نظر قرآن عاقل هیچ گاه در گرداب آنه فرو نمی رود و جاهل هرگز نمی تواند راه خود را تشخیص را بیاید

۳ - غفلت از خدا و آخرت - امام خمینی (ره) : « عالم محضر خدا است ، در محضر خدا تعصیت نگیرد » - تسویق و تبیین بر باطنش و آخرت سبب رغبت در انجامت از خداوند و موافقت بر باطنش می شود

۴ - دام های شیطان - شیطان دشمن انسان است و خود را از دنیا بتر می داند و بیخاطر رانده تنش از راه الهی می گوید یا دل کرده است که فرزند آدم را از تربیت کار شیطان و سوسید کردن و دادن عده های دروغین است و کفر همین ولایت و راه نفوذ دلبری ندارد - راه نفوذ او کسوس ها و نفس اماره ها انسان است - راه های شیطان برای سوسید کردن - اگر استن کوز دنیا نشا دادن کنه ، سرگرم کردن انسان به امور دنیا که دور دراز دنیایی - غفلت از یاد خدا و کارهایی که انسان با آن ها می باید دخالتی افتد - ایجا دد تسبیح و کینه بین او را

۲۳ / ابراهیم - نفس شیطان در کفر الهی انسان - در روز قیامت و از قول شیطان بر لناه ها است - شیطان به حق بودن عده های خدا اقرار می کند - قرآن عامل اصلی کنه را خود انسان می داند چون انسان صاحب اختیار است - شیطان در این دنیا هیچ تسلطی بر انسان ندارد - امام خمینی (ع) : « هیچ چیز مانند نماز نیست شیطان را بخاک نمی مالد »

۹۹، ۹۸، ۱۰۰ / نخل - شیطان بر مومن و متعلق تسلط ندارد - انسان باید برای رهایی از شیطان به خدا پناه آورد - شرک از مومن تسلط شیطان است

حقیقت وجود انسان :

به مکان زمان خاص نیازمند است .

۷۱ و ۷۲ / اصل سه دلیل برای وجود انسان : جسمانی و روحانی - نامحدود است - تجزیه و تحلیل نمی شود - بعد از مرگ باقیست و اگاهی و حیات دارد .  
- بجز در همین فرشتهان در برابر انسان به دلیل وجود بجز غیرهای در انسان است .

دلایل وجود بجز غیرهای :

ثابت بودن خود : « من » محدود باقی حقیقت تجزیه پذیر انسان است - روح ( من ) تجزیه و تحلیل نمی شود و بجز پذیرد لکن تبدیل نمی گردد .  
روایات صادقانه : صحاح با واقعیت - از حوادث آئینه خبری دهند - انسان از طرف مکان و زمان خود خارج می شود .  
روح بجز غیر جسم نیست کردگویی انسان - تقسیم گیری دارد ، عبادت را در می یابد و آن را طلب می کند و بر عکس !

- اثبات « من » به حیوانه استدلالی نیاز ندارد .

- قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه یک روحانی انسان بنا شده .

- و سوسلهای نفسانی انسان معلوم ذات باری تعالی است و این به دلیل قرب وجودی خدا بر انسان است .

- معلولیت بیرونی از سوسلهای شیطان ، عقلت - حرام خواری مستفاد می گردد .

- خشنان زدی معلول نیست استفاده نکرده از سرماندها و دریغ الهی است .

- خداوند مکر خائنان را هدایت نمی کند .

- رحمت الهی علت دورماندن حضرت یونس (ع) از سوسلهای نفسان بود .

- عبادت « همان کمان کی علیکم من سلطان » عقلت بیان عبارت « فله تلو معنی و او هو انقلم » است .

- بازماندن از توجه به زیباییهای مکتوبی معلول درهم شکسته شدن تمام مدرکات علمی و اخلاقی و عدم بهره مندی متفکران از غنای لغت و تفهیم الهی و طبیعت است .

۱۰/۱: دیدگاه انسان در برخورد با هرگز / و انشء به برخی همسایه این قلمی کند و اضطرار ناشی از نابودی همواره آنان را از روی دهد.

۱۱/۱: دیدگاه اول: هرگز پایان زندگیست / که برخی تلاش می کنند بدان نیندیشند و بی توجهی و غافل باشند.

۱۲/۱: دیدگاه دوم: هرگز پایان زندگیست / هرگز در دین نیست - بگذشتن در رنجها امید - محدود شدن میل به جاودانگی - از دست رفتن نشاط - لذت کمی از مردم - بیایاری روز سرگرم شدن به هرگز و درست یا نادرست و تا آتیه ای بلخی را که در انتظار دارند فراموش کنند.

۱۳/۱: دیدگاه سوم: هرگز پایان زندگیست / غافلین از هرگز - زیبا ننگ ترین مردم - ننگ نسیان تباه می گردد. باطل شدن سایر اعمال آنها - بی ارزشی دنیا

۱۴/۱: دیدگاه چهارم: هرگز پایان زندگیست / هرگز در غروب می دانند که طلوعی در حسنا تر در پیش دارد و هرگز نیست که آدمی را از دیدن هوش از دنیا (به چشمی بالاتر از آخرت) این رسول خدا (ص) «برای آقا خلق نکرده ایم» ندرستی نابودی و فنا با هرگز تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شود.

۱۵/۱: دیدگاه پنجم: هرگز پایان زندگیست / حضرت علی (ع) از آدمی مردم در جهان حال که از هرگز می گزیند، آن را ملاقات می کنند. زندگی میان از دست دادن جهان و فرار از هرگز عین زندگی است که بیان الله

۱۶/۱: دیدگاه ششم: هرگز پایان زندگیست / ایجاد کشور و امید - بالا رفتن انگیزه های مردم - هرگز این کار و زندگی - ۱۶۹ ساله

۱۷/۱: دیدگاه هفتم: هرگز پایان زندگیست / دل نیست به دنیا و دنیا زندگی کردن در آن - هرگز این کار و زندگی - ۱۶۹ ساله

۱۸/۱: دیدگاه هشتم: هرگز پایان زندگیست / سنجاست در آن به هرگز عالی رسیده است.

۱۹/۱: دیدگاه نهم: هرگز پایان زندگیست / امام حسین (ع) از «عزمی هرگز را جز نسیان است» و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خوارگی نمی بینم.

۲۰/۱: دیدگاه دهم: هرگز پایان زندگیست / اعراف که سر نوشت گمانی که هرگز و زندگی برتر را فراموش کرده اند - کسانی که در این خود را به برخی گرفتارند - فریب در دنیا - انکار ای - خدا و آخرت و اولاد سال

۲۱/۱: دیدگاه یازدهم: هرگز پایان زندگیست / ۳۲/۱: هرگز پایان زندگیست - تعلیم های نسبت به هرگز

۲۲/۱: دیدگاه بیستم: هرگز پایان زندگیست / ۳۳/۱: هرگز پایان زندگیست - هرگز در دنیا و عمل صالح است

۲۳/۱: دیدگاه بیست و یکم: هرگز پایان زندگیست / ۳۴/۱: هرگز پایان زندگیست - از دیدگاه ملک (ارشاد) پیروی از کسی که همانند سایر انسانها می خورد و می آشامد زیبا ننگ است.

۲۴/۱: دیدگاه بیست و دوم: هرگز پایان زندگیست / ۳۵/۱: هرگز پایان زندگیست - خروج جایزه ننگ نسیان مستمرا برای اهداف دنیوی است.

۲۵/۱: دیدگاه بیست و سوم: هرگز پایان زندگیست / ۳۶/۱: هرگز پایان زندگیست - محیط اعمال و قرار داده شدن میزان و ارزش روز قیامت معلول لغزش به ایت و طیار خواست

« آینه‌ی روشن »

۸۷ / نساء - اصل معاد - ایمان بجهاد مبتنی بر ایمان به خداست . وقوع معاد حتمی است . جمع نسل کلمه‌ی انسانها در قیامت .

- قانون « دفع خطر احتمالی لایتم (واجب) است » بد قافل عملی است . مهمتین خبری که انبیا برای بستر آورده اند - خبر از معاد و آخرت  
همدی پیامبران الهی پس از ایمان به خدا و ایمان به آخرت را مطرح کردند . ایمان به معاد لازمی ایمان به خداست .  
- بعد از توحید و یکتا پرستی بیشترین آیات اختصاص به معاد دارند .

- ضرورت معاد در بر توحلمت الهی : کار حکیمانند طبری است با هدف متعقل و ناسیسه که تالیف صحیح و عاقلانه بد دنبال دارد .  
گرایش به بقا و جاودانگی به بسیار شدید و قوی است به تمام نسل های او رانقت تا اثر قرار می دهد .  
• میل به امالالت بی نهایت به در هیچ حدی محدود نمی شود . تمایلات زیبای انسان بجهود نمی شود .

۱۱۵ د ۱۱۶ / مؤمنون - ضرورت معاد در بر توحلمت الهی : بجهود و عت نبودن اکثریش و کوفتند بودن آن به حکمت / بازلت مخلوقا  
۲۷ / ص - معاد در بر توحلمت الهی - کافران معاد را انکار می کنند . مقلد معاد به حالیکه آن آتش است .  
۳۹ / غافر به ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ / اعلی - اصل معاد و جاودانگی سرای آخرت

- ضرورت معاد در بر توحلمت الهی : خداوند عادل است . رسول خدا (ص) : « اسما من ها و زمین بر اساس عدل پایه ریزه است »  
امکان تحقق عدل الهی در زندگی دنیوی نیست :  
عمر انسان ها محدود است - عملی نبودن عجزات کسانیکه بر دیگران تسلیم کرده اند - تعلوفا نسون بسیاری از استعدادها انسان  
لازمی عدل خداوند خلاق جهان است که ظرفیت کهمدی عجزات ها و یاداش ها را داشته باشد .

۲۸ / ص - معاد در بر توحلمت الهی - وجود یاداش و عجزات و یاداش بر نبودن لیلو طاران و مفسدان بیان کرد عدل الهی است .  
• حقیقت وجود انسان ، نفس و روح اوست و با مدگ نا بودنی شود و در هنگام مرد توسط فرشته‌ی مرد به تمام راه های دریافت می گردد .  
• آیتی هستند که مربوط به امکان اکثریش همجو در جسم برای بیوتستن به روح در آخرت است .

امکان وقوع معاد از دید قرآن به خداوند مخلوق است (حتی که انسان انسان را با تمام ظرفیتش جمع کند) - حلقه نخستین خلقت مجدد - معاد حیات طبیعت

- سؤال در آیا پس از مرد زنده می شود ؟ - اثبات امکان معاد  
- اگر کمالات کسب شود پس از مرد از بین بروند به نقض حکمت  
- پندار باطل کافران به خلقت باطل اسما من ها و زمین است .  
- انسان های در ستار و با ایمان با پیروی از معتورات دین و تقویت از عقل و فطرت به ذراتی از نشود و کمالات می رسند .

- رد دلیل یومئذ للملئین / الذین یلدون بیوم الدین / ... - تجاوز از حد و مرز الهی و تلاش بر ناهمه و فتنه سازانکه ررست خیز است .

«متر گاه بگرد»

- مجلس از یادش و برای مردم در عالم برنج داره ای شود.

۱- ارتباط عالم برنج با دنیا، پس از مرد نیز همینان برقرار است.

۱۰۰/۱۹۹ مؤمنین - وجود عالم برنج پس از مرد - توانایی و باطنی انسان در لغت با خداوند و معنای

۹۷/۹۷ نساء - لوقی ظالمان - پس از مرد فعالیت گانه روح او دارد. منظور از همین در این است که جسم برنجی در کافران قیامت در آن اند  
وجود اختیار در انسان - ظلم به خود.

۳۲/محل - لوقی نیکو طاران - منظور از جنبه در این است که بهشت برنجی که مؤمنان قیامت در آن اند.

توفاهم - لوقی ظالمان  
توفاهم - لوقی مؤمنین

۶۴،۶۵/غافر و ضعیف ظالمان پس از مرد - سوء العذاب - عذاب برنجی الله العذاب - عذاب در دوزخ

امام کاظم (ع) در هر مؤمن بر حسب تعداد فضیلت هایش به دنیا جای نوازه می آید. برخی هر روز، برخی هر روز و برخی هر سه روز و گاهی آن ها فرموده  
امام هاشم (ع) در باره ی ارواح مؤمنان: به صورت بدن های خود در بهشت اند، به طوری که اگر مؤمنی را بسین، او را می شناسی، (متر حسامی)  
(۳ چیز که در قبر به شخص ظاهر می شود: وزن (که همش نیست) - خانه نوازه (با نوازشند) - محل (که راه آن شخص است و در دنیا از هم جدا می شود و بعد از آن)  
که مؤمن پس از مرد از عالم برنج بهره مند می شود و فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند - آن را بر آن تراشید - چاه آبی که حفر کرده و بعد از آن  
می دهد - در جنتی که کاشته است - آبی که برای خیرات جاری کرده - رویش بسنوده ای که با نگاه و دیدار آن پس از مردی آن را داده اند

۱۲/پس - آثار ما تا آخر  
۱۳/قیامت - آثار ما تا قدم و ما تا آخر

- خاندان آکل فرعون را بدترین عذاب در دوزخ برنج فرای گیرد و شدیدترین عذاب را در آخرت.

- کلاسی و دریافت انسان از آثار ما تا قدم و ما تا آخر در قیامت است.



پایان زندگی با پیر یابی قیامت همراه است.

۷۰۶۸ / زهره مراحل تکوینی قیامت - نفع صورت در لغت به زمین در سیور سے قرآن از آن بر صحر یا در کرد - بطور کلی انسان و زمین را فراقی که  
که لشکره سے شاهدان و گواهان روز قیامت

مرحله اول قیامت به با پایان یافتن دنیا آغاز می شود - با نفع صورت اول همی اهل اکرام و زمین خبر آن های که خواسته مدعوین می شوند -  
تغییر در ساختار زمین و کرم کرم کرم  
قارعره مردم مثل مایع بر آکنه می شوند و گویا بصورت جسم زنده شمع در می آید - اشتقاق سے شگفتان انسان - باز روشن زمین -  
تکوین به لدر کردن خود کشید - بی فروغ شدن ستارگان - بجز حرکت در زمین گویا - بر آکنه زمین دریاها - کرد زمین و کوشش -

مرحله دوم قیامت به انسان گویا آما روی دریافت یاد آتش و کفر شوند - نفع صورت دوم به باند ستمین به مقدمات حیات مجددان گویا  
همی مردگان زنده می شوند - روشن شدن زمین - بر آکنه در راه عمل الهی - حضور پیا پیمان و اما همان برای شهادت و گواهی - دادن نامهای اعمال  
فصلت بر اعتبار حق

«وضع المذاب» نامی اعمال - پیا پیمان و اما همان معیار تشخیص اعمال دیگر انسانها و بهترین گواهی قیامت اند زیرا ظاهر و باطن اعمال  
انسان ها در دنیا دیده اند و از هر خطایی مصون و محفوظ اند

رسول خدا (ص) شاهدان و گواهی بر پیا پیمان قیامت شهادت  
علاوه بر شهادت پیا پیمان و فرشته ان الهی که در طول زندگی انسان ها تمامی اعمال آن ها را ثبت و ضبط کرده اند و اعضای بدن نیز بر اعمال انسان شهادت می دهد

۵۵ / طه - زنده شدن مجدد مردگان در مرحله دوم قیامت فصلت به گواهی و چشم و پوست و استخوان و استخوان خود را گواهی می دهند

نامی عمل انسان به خود عمل و حقیقت آن - در قیامت انسان عین عمل خود را می بیند  
خداوند متعال اعمال را بر یاد می آورد - در ترازوی عدل الهی اعمال و افکار و نیت های انسان را بسنجید می شود

۴۷ / انبیاء - در قیامت معیار قضاوت به حق - وزن کف و سنجش کار اعمال انسان خداست - میزان در قرآن به معنی عمل است

وزن (و سنجش) در قیامت به حق - به معنی آنی که اعمال مستقل بر حق و عمل با شکر از شنیدن و گفتن است  
اعمال پیا پیمان و اما همان عین حق و حقیقت است

صخر سلت و گواهی در دست خیز بردگان بسوزند یا داندند که به دروغ هیز زده می شود

# «فرجه کار»

جهنم ۳۰ در دارد. هیزم آتش جهنم را کافران، ارتدادگران، مجرمین و بیگانه‌هایی که در پی رسیدنند تسلیم می‌دهند. جواب خدا به دوزخیان سه آیه در دنیا به اندازه‌ی کافی به شما عمر نازلیم که فکر نکنی می‌خواست بد راه بروی. اگر بر دنیا بازگردید همان سید قطب را این سخن را بگوید.

خداست می‌تواند به آن‌ها می‌گوید که اگر معصوم می‌دانند به خدا بر سر و کلاه راست دارد و من به سر و کلاه دروغ، اما من به سر تسلطی نداشتن جز اینکه شما را فرخوانم و شما بپذیرید. پاسخ فرشتگان به عکریبیا مبران برای سخن دلائل روشنی نیاورده اند.

۷۱ و ۷۲ / زفر به دوزخیان گروه کرده و در جهنم می‌شوند. تمام حجت خداوند از طریق ارسال پیامبران - جهنم جا یلا هفتصدین معرفی شود.

بجست ۸ در دارد. بد در خصوص پیامبر و صدیقا، و در خصوص تشهید و صالحان و درگاه دلیلی برای گروه‌ها دلائل ارسال خدا (ص) : «بالاترین درجه‌ی بجست فردوس است و اگر چیزی از خدا می‌خواست فردوس را طلب کند»

سخن بجستیان به سلام و درود

بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بجست به لقاء و دیدار خداست او را بخواند و طلب آن اندوختن آن زندگی می‌کند. برترین مقام بجست به رضا و خشنودی

۱- رابری قراردادی به با وضع قوانین می‌تواند تغییر نکند. ۲- رابری طبیعی: پادشاه و کنیز محصول طبیعی خود عمل است.

۳- رابری عینی: عین شکل به صورت پادشاه و کنیز واقعیت می‌یابد.

شعر عمل دو جنبه دارد به هانی (فانری) : بعد از عمل از بین می‌رود. باطنی (غیبی) : در ریح و نفس باقی می‌ماند.

در مدد نفس دارد به در جهان انسان - در خاج به از بین می‌رود

صحت اخذ از نوع سوم است (رابری عینی) سه بار ۴۱ / اول به بجست اخذ را می‌اندوختند ۴۱ / تلخیص به هر کس می‌دانند آنچه را که خافه و عماره ساخته است.

- رسیدی آفر به کلبه

- بجستیان و منا لب ترین زمین برای گشت محصول اخذت عمل است.

- نیایش و ذکر بجستیان همواره در سبحان الله است.

« اعتماد بر او »

۱۳۶ نفر به توکل بر خدا و اعتماد بر او

توکل به اعتماد بر خدا و انظار کردن شیخی طریقی به خدا - از مهمترین عوامل توکل است  
که رابقی مستقیم یا معرفت به خدا و ایمان به او دارد.

۱۵۹ سال عمر به خطاب به پیامبر (ص) - به برکت حق خدا با مردم زحم راهبردی بود / برای امور سه - قدرت - تقسیم - توکل - اقوام.

- پیامبران، پیران پیامبران، مومنان و کسانی که از خدا می ترسند به خدا توکل می کنند  
- فوجی و جوانی دوران تقسیم ها نیز است. جهان می داند که چه تقسیمش بزرگتر باشد نیاز بیشتری به توکل به خداوند و اعتماد بر او دارد.

- حضرت هود (ع) - هر چه قوشش بجهت کرد - تله ش و میجا هدت حضرتش افزایش می یافت - به قوش گفت: « من بر خدا را برودگار من دانست  
حضرت شعیب (ع) - در مقابل تفسیر و التفسیرای قوم خود و اذیت و آزار آنان عقب نشینی نکرد بلکه به تگاش خود امیدوار و مصمم بود و به آنان فرمود:  
« در خرگای از خدا توفیق می کلیم و بر او توکل داریم و بر سوی او باز می گردیم »  
- ۲۸ نفر به معنای توکل فقط خداست - قدرت مطلق و تقسیم کننده مطلق در عالم خداست.

- توکل کردن به معنای گفتن این جمله نیست بلکه امری قلبی و درونیست - توکل باید همراه با معرفت و اخلاص باشد و بانیست خالص انجام گیرد  
- توکل وقتی معنا دارد که انسان مسئولیت و وظیفی خود را بچوئی انجام دهد.

- پیامبر (ص) در جواب افرادی که از توکل گفتند: « توکل کنید و فرمودند: نه، شما سر بر دلبازان هستید.  
- انبیا و اسباب نیاب رحمت الهی قرار دارند پس است و بی توکل بی ایمان و ایمانی توکلی به حاکمیت و علم الهی است.  
- توکل جای نشین تنبلی و نمانم کاری افراد نیست بلکه امید دهنده به کسی است که اهل معرفت و توکل و شکیلاست

- اگر توکل همراه با معرفت و اخلاص باشد خداوند آن چنین را که حقیقتاً به نفع ما است پیش خدا هد آمد.

- افزایش اعتماد به توکل و اطمینان بر خداوند، معلول افزایش معرفت به خدا و ایمان به او می شود و ایمان به او می شود و اعتماد بر او علت درستی به  
آرامش و امید بر آن است و بهره مندی از اراده ی قوی معلول توکل و اعتماد بر خداست.

- معنای کفایت خداوند در دفع گزند از توکلان - خیر رساندن به آن ها  
- راه حتمی کردن همگی توفیق بانیست خالص به خدا پناه بردن است.

- ویژگی های متوالکین طبق آیات: روی کردن از منافقین - در جهاد و تسبیح خداوند اند - استقامت و پختن اند - کسانی که با وجود آلودگی ها  
ایمانشان افزوده می شود و این گویند « حسنی است و نعم الوکیل - « خدا ترسان - فرمان برداران از خدا.

۶۹ / عنکبوت - طبق حکمت و سنت خدا مجربها در راه خدا هدایت می شوند. محمد بن عبد الله از محسنین و اولاد ان محمد بن عبد الله است.

۱- آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد

- خداوند بر اسطوری مغبور بودش در کهای با زکست را برای نافرمانان نشود است.

- سرچشمی بسیار از طایفه و تقسیم های آنست صحبت و دوستی و این محبت هاست که به زندگی آن ها محبت می دهد.

- عشق و محبت الهی افسردگی و ترس چنین را از بین می برد و نشاط و شجاعت و قدرت را جلالتین آن می کند.

۱۶۵ / بقره - محبت به خدا یا پیری دین داری - « اعد خدا لئلا یسبوا لک بر خدا بدین آوردند

۱۰- آنرا محبت به خدا :

- دوستی با دوستان خدا : نزدیکترین انسانها به خدا بیامیزان و اهل بیت ایشان اند که همه تمام و کمال حق و جلوه ی زیبایی ها او کند.

صحب و متبع محبت است.

۲۳ / انوری - محبت و دوستی خاندان بیامیزان بر عینان آنها اجماع و عزت رسالت.

۴۷ / اسباب - احوال رسالت بیامیزان فقط ترکت است.

- پیروی از خداوند : سرچشمی از محبوب نشانه نری عدم صداقت در دوستی است.

۳۱ / آل عمران - محبت مقدمی اطاعت است. خطاب به بیامیزان - شرط دوست داشتن آنست که تو را دوست داشته باشی و تو را دوست داشته باشی.

- محبت بر اهل که ما را به خدا می رساند : امام مجتهد (ع) در دوستی خود از توحی خواهم و دوستی خود که تو را دوست دارد و دوستی خود را که تو را دوست دارد.

کسب دین

کسب دین

- بیرون و نفرت از باطل و دلگشایی خدا : دین داری با دوستی به خدا آغاز می شود و نفرت از خدا او را به دنبال دارد.

پایه و اساس دین اسلام عبارت (لا اله الا الله) است که مرکب از این نفی و بیان آیات است / دین داری بر توحی و کبری استوار است.

امام خمینی (ره) : « حقوق دین است جز اعمال محبت و وفا داری نسبت به حق و اطمینان چشم و بیگانه نسبت با باطل نیست و خلوص عشق و محبت جز به ظهور کامل نفرت

از مشرکین و منافقین مسیر نفی شود. باید مسلمانان کفایت مسلمانان را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و نفی محلی نسبت به دلگشایی خدا کسب کنند.

۶۳ / اجماع در ظاهر دین داری نیز از دلگشایی خدا و رسالت است

- مبارزه با دلگشایی خدا : نفی شود کسی دوستی و فضیلت با نسد اما از عدل و حق و مساوات لذت نبرد، در جهل نیست و بیگانه را هم قرار گیرد.

۴ / معتقد : محبت به خدا سبب شکرگری و حمد و ثناء به باطل در آنست می شود. حضرت ابراهیم (ع) را با آنش به عنوان نفوذی لیسوی از مبارزین با باطل معرفی کردند.

شرط بر طرف شدن کینه و کینه بین ابراهیم (ع) او قتلش است و در دین به خدای یگانه است.

- محبت انسان به خدا : پیروی از رسول خدا به محبت خداوند به انسان است / عزیزان خدا

« فضیلت اگر اشقی »

بلی از برنا مدتها ارزشمندترند و در حضور او عزتند و با او در غایت و در راسخه در اجتماع الهی

- بیا مبراهن: لباس سفید و روشن بپوشید و بیایید آبرو یا کینه تر است // امام علی (ع) « اگر اشقی از اخلاق مؤمنان است  
- نشوید و رسوای خود را و سایر بندگان نسبت بشود که مسلمانان در اندک زمانی که با آنستند و با کینه ترین ملت ها تبدیل میشوند  
- ترتیب اهمیت اشقی - فلاح عبادت - حضور در خانه نواز - حضور در اجتماعات

- تا که هر کس محلی درون او است - اندیشه ها، اخلاق و روحیات اعمال و خواهرانی سازند - رفتارها طاعتی به ترویج باطن است و اشقی که  
حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می رود  
- عفاف در حالت روحی و فضیلت اخلاقی است - انسان عظیم حیا دارد

امام صادق (ع) « دو پوشیدن لباس نازک و بدن نازک نشانی است و ضعف دین است »

امام علی (ع) « در پیر کینه از اینکه خود را برای دیگران بیارای و با انجام آن به جهل با خدا برتری کنی  
- زن آیت جمال خلقت است - احساس لطیف زن عمل بسیاری است که اشقی خانه نواز را فراموشی کرد و به عفا خانه را عفا می دهد - زن طاعت عفاف خانه نواز است  
- عزت در مقابل خجالت و ذلت قرار دارد - نزدیکترین نسبت است نسبت روح و معنوی است  
- اما ظاهر عزت واقعی نزد خدا است - خطاب به دوست داران عزت

- از مهمترین برنا مدتها دینی و تعالی معنوی و روحی است و سایر برنا مدتها بر این اساس تنظیم می شوند

- نیاز به توجه و تقویت دلبران و نیاز به عقوبت و پذیرش هر دو در نوعی و همان خود را پیش گرفته می دهد  
- حضرت مدرک (س) و حضرت یوسف (ع) در مقام عفاف اند و سرگذشت آنان هر قرآن آمده است

- به همان اندازه که رسته ها عفاف در اشقی ضعیف نبود، نوع اشقی در پوشش هم تغییر می کند (ضعیف می شود)

- انسان عزتمند عظیم هم نیست یعنی عزتمندی اولی که دارد به لونهای خود نمی کند که سر انجام آن تحقیر باشد

- بر بیان رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) احساس نشیمن این معلول گشتن ناله برنا محرم و پوشیدن لباس نازک و بدن نازک نشانی  
ضعیف و مستی دین است

- رفتار کردن تقلید گوهر در اندیشه معلول یا سرداری عزت است

- پالی و با صفا بودن زندگی معلول نگردد اشقی نواز در شب و روز است

- عرضی تا بجای زیبایی توسط زن « عفت » و « حیا » این دو گوهر قدوس را از او می گیرد و خانه نواز را نازک بود می کند

## در بیان عفاف

گرایش به پونش و عفاف در این فطرت است اما میزان آن را بطری مستقیم با اخلاق و فرهنگ جوامع دانسته و دارد.  
- ادیان الهی در اصل حقیقت یزدین اند.

- مردم ایران قبل از اسلام پیرو این فطرت بودند.

۳۰/ نورس با کید بر عفاف و استقامت چشم برای برکنار از الحرف مردان - خطاب بر مردان مؤمن - ابتدا لنگر چشم و سپس بالادستی به موجب نزدیک و عالی.  
۳۱/ نورس اصل عفاف و تکلیف خود را پونش برای زنان - مگر آن چند نفر است که در صورت ولست ها با هیچ

که لنگر چشم بالادستی به آنگاه زن در وقت عفا

رسول خدا (ص): «تلاوه بنا محترم تیری زهر آلوده از ناحیهی شعیب است. هر کس بر بایس حرمت الهی آن را ترک کند خود ایدانی بر او می دهد که شیرینی آن را در حل احساس می نماید»

۳۹/ احزاب به فلسفه کی حجاب و تکلیف خود پونش - خطاب به همسران و دختران (یا همسران) و کهنه زن یا مؤمن است. زنان مسلمان از کهنه ابتدا  
معی نسو خود را می پوشانند ولی با خود آن آنگاه نبولند.

- پونش زن سلامت اخلاقی جا بعد و بالا می برد و حریم حرمت زن را حفظ می کند و آرامش روانی او را افزایش می دهد.

- پونش مناسب از نشانه های عفاف و عزت نفس است.

- در امریه معروف و کنهی از منکر از نزدیکان شروع می کنیم.

- انتقاد بلی از کمالترین حجاب ها توسط زنان قدیس معلول از نظر آنان در آنگاه حجاب به بدن دارای نزدیک تر و برای خود پیشرفته تر است

- مسئولیت ها رفیق ساز و همساز تفاوت پونش زنان و مردان است.

در نظارت همدانی

۱۰۳۱/۱۱/۱۱۱۱ - خطاب به مؤمنان که در حال کفر و فسقند با نیت نفاق این می کنند.  
۱۰۳۲/۱۱/۱۱۱۱ - خطاب به دعوت بر اتحاد و جلوگیری از تفرقه - خدا از مسلمانان این خواسته با چند زن به رسالت الهی می فرستد. مسلمانان به واسطه لطف الهی با یکدیگر برادر شدند.

- افراد حجاب و محو برای رسیدن به کمال و رسالت الهی (که نوشت مشترک) باید به مسئولیت ها و احادی را انجام دهند. در وظیفه از سوی خدا بر ما: دعوت به نیکی ها امر به معروف و نهی از منکر

۱۰۴/۱۱/۱۱۱۱ - دعوت به نیکی مقدم بر امر به معروف و نهی از منکر است - وظیفه الهی مردم است نذر و مکاره های

دعوت به نیکی: به سلامت حجاب و سلامت می بخشید و به نیکی آن که می کند - آفتش پیش گیری دارد. امام صادق (ع) مؤثرترین راه دعوت به خیر را دعوت عملی می داند. دعوت گفته می شود با نیت امانت و با زبان بلند یا با زبان آهسته و ناز و نعلی که این رفتارها خود دعوت گفته اند. به یاد وظیفه اسلام می است.

امر به معروف و نهی از منکر به یاد فریضه بزرگ الهی است که همگی واجب با آن بر ما و به وسیله آن امنیت برقرار می شود. با انجام آن کسب مردم حلال و حقوق افراد تأمین می شود. از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.  
تعمیر نیمی است (نیل هم در زمان حضرت داود ع او هم در عصر حضرت عیسی ع) راه نافرمانی از خدا را پیش گرفته و چنان در دنیا غرق شدند که مورد لعن واقع امام علی (ع) از تمام کارهای دنیا، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون جفوت است در برابر عیبهای دنیا و

سخن امر و ناهنجاری: اگر همان کند یا احتمال دهد که در بعضی از راه نافرمانی کند امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست. که اگر بداند احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر ضرر جانی و آبرویی یا مالی قابل توجهی داشته باشد واجب نیست.

قرآن کریم و نعت نبی است بسیار گزافی برای مؤمنان را که به یاد آن باشند تا نعت آخرین از یاد نبرند با توجه به آیه شریفی در ذلک نعت الله... در واقع و نعتی در شمع پذیرند و برقراری اخوت اسلام می دانند.

قبول شهادت از سوی امام حسین (ع) و یاران وفادار به از تسلیط امر به معروف و نهی از منکر.

- مقدم بر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر علم به واجبات و محرمات است.

- انتخاب روش درست برای امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است زیرا اگر این وظیفه بر روش درست انجام نگیرد، تقویری مخلوس دارد و موجب تفرقه و نفاق می گردد و اخوت اسلام را از بین می برد.

«کار کوهن زندگی»

«تلاش و پیشه و ایفای نقش مفید در زندگی اجتماعی از ارکان مهم زندگی است.»

۱۰. اخلاص و صفا در همه به آب بر می گردد.

۱۱. اخلاص به بی طرفی خاص به زینت و فضل و خیرها و انوارش رسیده - در عهدی عبودیت ها نشانه ای است برای اندیشمندان.

۱۲. اخلاص به بد شکر است در روز خورشید دهان و تنه رطبان برای انسان اشاره کرده به نشانه های برای کسانی که لطف الهی کنند.

۱۳. اخلاص به خداوند تمام موجودات را در تقییر انسان در آرد و دنیا او با لطف و کار و تلاش به بهترین وجه از این نعمت های بی پایان استفاده کند که در زنده های مختلف و مخلوقات نشانه های برای کسانی که صدق بر می آورند هست.

۱۴. اخلاص به نعمت های خدا که از سر فضل او است باید با کار و تلاش بدست آوردیم. با بی سبب پس گزار نمی توانیم که در این بر خیزیم از شکر دریا به ترتیب به موارد - تناول گوشت تازه - استخراج روایات - حرکت کشی ها اشاره کرده است.

تحریک جنبش خویش و یونانی به هدف ها بلند و اقصیت می نهد.

رسول الهی (ص) «گویی که روزی خود را با کار و تلاش می بیند» در قیامت در خیر انبیا قرار می گیرد و کتاب آسمانی را دریافت می کند.

که در ابراهیم خویش و پیش از کوه خنجر از سلم برستی، بر خوبی، بیایلی و صفت در ایمان بیرون کم.

امام صادق (ع) در گفتار علم و دانش در زمان خود مهم ترین نقش را داشته اند و سالگردان ایشان بالغ بر چهار هزار نفر بوده اند.

امام علی (ع) در گفتار که چیزها مختلف با هم همراه می شوند و تنبلی و ناتوانی با هم عقد زوجیت بستند و فرزند بی نام قدر از آن متولد شد.

کار، سازنده ی انسان و بیایلی و تنبلی فاسد کننده ی آن است.

که ارزشش؛ کسب درآمد - شلوغی اقتصادی - تأثیرش بر انسان

که شلوغی استعدادها - لطافت احساس - تمرکز قوه خیال - احساس غنرت نفس.

کسی که اهل کار و تلاش است در کار خود اقبال صانع دارد و مصالح عمومی و اقدار و غنرت جاهت و رفاهیت خلوا را دوست دارد و آن را بر منافع شخصی ترجیح می دهد.

هستی که به دنبال کسب ثبندی است باید عزم و ایستادگی را بی از هدف ببرد و خود قرار دهد و به سختی جان دهد و از لطف بهره مند گردد.

بیایلی و تنبلی و سستی، قساوت می آورد.



در کار در نظام اقتصادی ۱۱

- در نقش و فکر اسلامی مسأله اصلی کسب مال و درآمد و طلب استفاده از منابع طبیعی و حیوانی کار خلاق و مولد است.  
- منفق فطرت برای پدید آوردن یک نوعی حق تصرف در آن را می پذیرد و آن را مالک آن می شناسد.

- اگر پول کو مسیله ای برای عبادت کمال است، مستقل مورد معامله قرار گیرد بدون اینکه فی وجهی در کار باشد و با این پس می آید.  
۲۷۹ و ۲۷۸ بقره سه ترک با خواری - خطاب به مؤمنان - با خواری اعلان جنگ با خدا و رسول اوست.  
الرب با خوران قوبد کنند سرهایمان حلال است و مال خودشان است نه مردم.

۲۹ / روم سه راه درست افزایش ثروت سه پرداخت زکات و انفاق.  
اثرات ترک ربا و پرداخت زکات و انفاق سه نجات جامعه از فقر - سلب لری و جوی کار و شلوغی اقتصادی.

- سود حاصل از فعالیت اقتصادی و حلال دیگر است و اگر بانی الهی باشد اجبر و ثواب اخروی نیز دارد.  
- در نظام اسلامی با نقد کانون مشارکت کار و سرمایه است.  
- افرادی که از نعمت سلامت جسمی و امکانات مالی برخوردارند بپردازند آن در راه خداوند انفاق می کنند.

زکات سه نوعی انفاق واجب - بر برخی اموال تعلق می گیرد سه غلبه (اربعه) گندم، جو، خرما و کسب / دام ها، لستر - کا و کولونفند / سله ها، طلا و کوزه  
سه یل عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام گیرد.  
- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن در رواج دارد (به زیورات خانم ها تعلق نمی گیرد).  
- قرآن غایب پس از برپا شدن آفتاب از هر چه واجب بودن پرداخت زکات تا گیرد است.  
۶ / آتوب سه مصارف زکات (۸ گروه) سه فقیران - مستفندان - کارکنان اداری زکات - تا کیف قلب ها - زار لرین ایدگان - عزامت دیدگان  
انفاق در راه خدا - ۶ راه ماندگان

حکس سه نوعی انفاق واجب - به هفت چیز تعلق می گیرد سه رایج ترین آن ها منفعت کسب و ط است.  
۴۱ / انفال سه مصارف حکس (۸ گروه) سه خدا - پیا مبر لهن - خویشان - یتیمان - فقیران - در راه ماندگان  
- استفاده از مالی که حکس آن پرداخت نشود جایز نیست و اگر با آن خاندانی خریداری نشود نیز خندان در آن باطل است.

- پرداخت مالیات برای تأمین هزینه های عمومی مردمی است.  
سه بخششی نیست که برای دلداران لغزیده نشود.  
- حکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب اند سه ها او لیر و بندط راهکار سازد و حکومتش جز اندر زمانی پایدار نمائند.  
۱۸ / حمید ۱۲، مائده و ۱۷ / انفال سه قرض بیون ربا سه قرض الحسنه سه تالیج سه پاداش چند برابر بخشش کنان - و کوه وقتن به است  
- بدو گروه را المساکین ۱۱ و در این بسیل ۱۱ هم حکس و هم زکات تعلق می گیرد.

در هدایت الهی ۱۱

- ۲۴/ انفال - زندگی و حیات پار و واقعی، معلول پذیرش دعوت خدا و رسول یا پذیرش دین الهی.
- ۶۰/۱/ حمد - لزوم درخواست هدایت الهی از جانب انسان به راه مستقیم سعادت و نتیجی عدم این درخواست که سرانجامی جزیرانی سقوط در ناله.
- ۵۰/ طه - هدایت عملی و عقوبات بر اساس نظام حکم الهی که ان
- ۱۳۳/ اعلی - هدایت خدا صد یا تنها سب میان و دیگران خدا و خصوصیات موجودات با هدایت آن ها
- ۱۶۵/ سوره - هدایت و اثره ی انسان با ارسال رسول و انعام حجت خدا بر او
- ۶۱/ زفر - هدایت و اثره انسان با پیامبر و ارسال کتاب و اختیاری بودن آن
- ۳۳/ اعراف - نیاز انسان به هدایت و راهنمایی خداوند و تسکین هدایت با قتل آن از آن

نیازها انسان به تدریج به دل مستولی، دغدغه و حتی در مشکلاتی تبدیل می گردند و انسان از بیاری و کوششهای خود و در راهی انسانیت است نیازهای بزرگ در هدف زندگی - درک آینه ی خویش - کشف راه درست زندگی - ارتباط عمیق با دنیای قابل چاره (دغدغه ی اصلی)

با پاسخ به نیازها باید همه جا بند (جامع) و کامل گردد و قابل اعتماد باشد.

کسی می تواند یا نتواند در راه هدایت بر نیازها بدهد که ویژگی های روحی و جسمی انسان را بر خوبی بسنجد و بر همه ی ابعاد وجودی او نگاه باند و بر خصوصیات آینه ی آن انسان و جهان را بر خوبی درک کند و راهی دنیا و اخذت را باند.

هدایت به اصل تمام دهم که در نظام خلقت است.

- برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند در جوامع به انسان داده است - عقل در درون وجود او و فرشته ها که الهی در کبریا.
- فرشته دن رسولان از سوی خدا معلول تقبل در پیام الهی است - بهند پذیرفتن پیام الهی معلول برخورداری از معرفت برتر است.
- دانای بودن نسبت به فرمان های الهی معلول بزرگی در تقبل و فکر - بالا تر بودن رتبه در دنیا و اخذت معلول کامل تر بودن عقل است.
- ۳۳ و ۳۴/ ابراهیم - راهی حجت ظاهری باطنی - تقدم حجت باطنی بر ظاهر.
- ۹/ اسراء - نیاز به برنامگی زندگی ۹۷/ انفال - نیاز به آینه ی روشن و برنامگی زندگی

بین اهداف و نیازها رابطه ی علیت برقرار است.

سختی های تنهایی ها، احساس رضایت و آرامش درونی است.

- زیاده طلبی و فزون خواهی برخی افراد نسبت به تسکین قلب ها از هم فاصله بگیرد و محبت ها کاهش یابد.
- نیازهای بنیادین انسان با هم پیوند (نه رابطه) دارند.
- «ای مؤمنان، دعوت خدا و پیام آوردن را اجابت کنید، آنگاه که شما را به چیزی فرا می خوانند زندگی بخش است» ۱۰.
- فتح دروازه های پیشرفت با زبان و نتیجی پاسخ به سوالات بنیادین که راه ما را از مانع نجات می دهد.

۱۳ / توری به واحد بودن دین الهی

بقره / ۱۳۶، ۱۳۷ - واحد بودن دین الهی

۱۹ / آکل عمران به وحدت دین الهی و عدلت وجود ایشان مختلف ۴ / ابراهیم به رسالت نبی سطح فلو جوامع و اقوام، عدلت تجدید نبوت

۴ / احزاب به ختم نبوت ۱۲۴ / انعام به تعیین مقام رسالت از جانب خداوند

- فطرت سر به معنای نوع خاص آفرینش  
- به سبب ویژگی های فطری مشترک (عدلت)، خداوند در برهان هر کس کلی به انسان ها عنایت کرده (معمول) تا این ها را به هدف مشترک (توحید) برساند

- بخردی استقرار و ماندگاری پیام و تبلیغ دائمی و مستمر آن است

- به عدلت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم تولهستی کتابت، تعلیمات انبیا به تدبیر فراموشی می گردید یا به نوزادای غول می نمود که دیر به اصل آن شباهتی نداشت به بر این اساس بیا میزان نبود می آمدند

- قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی و آن دسته از کبریا دینی معرفی می کند که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت بیا مبرک است  
اینها دند و بیا مبری اورانگ کردند و سبب اختلاف و چند دین شدند بیرون بیا میزان شدند

و ویژگی های بیا مبرک به وحی - اعجاز - عصمت

که عالی ترین درجه ای آن مخصوص بیا مبرک است

- هموار کردن راه املاک هدایت و رسیدن دین به درستی و تمام به دست مردم مربوط به عصمت در دریافت و ابلاغ وحی

- جلب اعتماد مردم به دین الهی و جلوگیری از امکان انحراف در تعلیم الهی مربوط به عصمت در تعلیم و تبیین دین

- تسلیت اسوه و الگو قرار دادن در جلوگیری از لغزش و انحراف مردم مربوط به عصمت در اجرای فرمان های الهی

- علی ختم نبوت به امادگی جامعیتی تبیین برای دریافت برهان کامل زندگی - حفظ قرآن از تحریف - وجود امام متعصب پس از بیا مبرک

پیش بینی راه های یا سنجش بیا نیازهای زمانه

- ویژگی های اسلام که سبب انطباق آن با نیازها متغیر زمان می شود: توجه به نیازها متناسب در عین توجه به نیازها ثابت

وجود قوانین تعظیم کننده - اختیارات حاکم و نظام اسلامی

- مراحل آفرینش به آفریدن - دانستن - اندازه گیری (تقدیر) - هدایت

- ولایت و مدافع بودن بیا مبرک معمول حکیمانند و بر حق بودن انزال قرآن و حکم بر بودن انسان است

- خداوند متعال بیا میزان را با دو ویژگی تبیین و تفسیر به دلیل و احکام حکمت با انسان و صاحب عنایت و حکمت بودن خداوند معبود فرود

- خداوند از گوش و چشم و قلب بازخواست می کند زیرا راه درست زندگی همواره با علم و کاخی مشخص می شود

# معجزه‌های از نوع کتاب

- ۲۳ و ۷۴ / لقره - تحوی، اعجاز قرآن و جادو دانی اعجاز بی‌هبرالرم (ص)
- ۱۸۴ / نسا - انجام درونی، در عین نزول تدریجی از ویژگی‌های اعجاز محتوایی قرآن
- ۴۸ / غلبت - اثبات بودن بی‌هبرالرم، نشانی بر اعجاز جادو دانی انسان
- تحوی - دعوت به مبارزه از سوی قرآن برای آوردن سوره‌های کهنانه آن
- جنبه‌های اعجاز قرآن - لفظی و محتوایی

لفظی و زیبایی‌های لفظی، ساختار، موزون، طعم‌ها و گل‌ها، رسایی در معنا با وجود اعجاز و اختصار سبب نفوذ خاص الحادگی این در افکار و نفوس شده است  
محتوایی - انجام درونی، در عین نزول تدریجی - تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت - جا به جایی و جادو دانی - تأزلی و تبادلی داخلی -  
ذکر نکات علمی بی‌سابقه - روحیت در همی موجودات - وجود جادو دانی میان تنه‌گان

## - دین‌هدی اینا نیست ولی شکر لکت صفات دارد

- طرح موضوعاتی چون عدالت خوالی، علم دوستی، صفتیت و حقوق برابر انسان که امروزه قوی‌ترین است و با بالاترین جنبه‌های اعجاز قرآن است

- موضوعات صنفی مانند توحید، محاربه انسان، نظام خلقت و مسائلی دیگر در قرآن حالی از انجام درونی در عین نزول تدریجی قرآن است

- رسول‌گرای اسلام (ص) در آغاز نزول قرآن و بعداً به آن تحوی کرد که به معنای: قرآن که این نیست و کسی نیست که مثل آن را بسازد و دلیل بر اعجاز و جادو دانی قرآن است

- سرنوشت کسانی که به قرآن لرم شد و اللهدا فلان قرآن، آتشی است که کهنه‌م‌ان را می‌سوزاند و بر طایفه اموات

- علت اینند قرآن توسط فردی الهی عرضه شد به بشری از شد کجروا و لرج اندیشان

- d-۱- علق - تأثیر ناپذیری قرآن از عقاید دوران جاهلیت در اولین آیات نازل شده بر بی‌هبرالرم (ص)

# گستره کی رسالت پیامبر (ص)

- ۱۶۴ / اک عمران، دریافت و ابلاغ وحی و جمعیت دینی (همه دو قلمرو رسالت).
- ۱۶۳ / اک عمران، ضرورت پذیرش ولایت الهی و پذیرفتن حاکمیت طاغوت از دلایل تسلیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری)
- ۶ / انشاء، ۱۶۱ / انشاء، حفظ استقلال جامعه دینی اسلامی در برابر کفار از دلایل تسلیل حکومت اسلامی.
- ۲۵ / حدید، ضرورت اجرای احکام اسلامی از دلایل تسلیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری).

- ۱- قلمرو رسالت، دریافت و ابلاغ وحی به اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی (ع) بود.
- ۲- تعلیم و تبیین تعالیم وحی (جمعیت دینی) به گفتار و رفتار پیامبر (ص) اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم حقیق آیات الهی است که پیامبر (ص) به اولین و برترین معلم قرآن.
- ۳- اجزای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری)

دلایل نیامدنی جامعه به ولایت و حکومت اسلامی، جامعه دین اسلام، ضرورت اجرای احکام اسلامی، پذیرش ولایت الهی و پذیرفتن حاکمیت حفظ استقلال جامعه دینی اسلامی

برترین مقام پیامبر، ولایت معنوی رسول خدا (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به این مرتبه از کمال نایل آمد که هدایت بندگانش از طریق آموزش معنوی و عقلی بعد از طریق امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی و تصدیق در قلوب و مانند آن.

۱۵ / شوری، دو قلمرو رسالت پیامبر (ص)، ولایت ظاهری و دریافت و ابلاغ وحی.

کافر شدن وی بنسب شدن از محبت خدا معلول روی برداشتن از اطاعت خدا و پیامبر (ص) است.

قرآن کریم از خارج از طاعت برسوگن قدر و نصیب افزای قوامی دهد که خدا سرپرست آنان باشد و بخدا ایمان آورده باشند.

کسانی که می نیارند به دین خدا ایمان آورده اند اما به طاغوت مداحی می کنند و محل مشکلات اجتماعی را از زبان مردمی نخواهند تسلط آنان را فریب داده و در راهی اشکار میسر می برند.

مهمترین معنی از ولایت معنوی به درجه ایمان، اخلاص و محل لبسلی عباد.

با دقت در ماهیت، کیفیت و احکام شرعی درمی یابیم که اجرای آن ها و محل بر آن ها مستلزم تسلیل حکومت است.

مهمترین جنبش زندگی اجتماعی و حکومت و اداره جامعه و تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است.  
در ادامه آیدی را بفرستید... علی المؤمنین... اقدام تزکیه بر تعلیم مفرح می شود.

«تراجم رسالت»

۵۹ / انشاء - دستورالعملت از خدا و رسول و صاحبان اهدی برای تراجم رسالت (آیدی اولی الامر یا طاعت)  
۵۵ / مائده - اعلام ولایت و جانشین حضرت علی (ع) و تعیین مصداق آن توسط رسول خدا (ص) (آیدی و طاعت)  
۶۲ / مائده - اهمیت تعیین جانشین پیامبر (ص) و اتیان جانشین قطعی باین رسالت (آیدی تبلیغ یا ابلاغ)  
۴۳ / احزاب - عصمت اهل بیت پیامبر (ص) (آیدی تطهیر)

- تنها کسی که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، خداست.

- مدارسی از تعیین امام علی (ع) به امامت جانشین رسول خدا (ص):

- معرفی امام در مراسم غدیر خم (یوم الا نزار) - آیاتی که بر تعیین امام دلالت دارند: آیدی ولایت - آیدی تطهیر - آیدی اولی الامر یا طاعت  
- آیدی تبلیغ یا ابلاغ - احادیثی که بر تعیین امامت دلالت دارند: حدیث جابر - حدیث ثعلبن - حدیث فضلت - حدیث غدیر.

آیدی ولایت - نزول این آیه در هنگام انجام واقعه ای که مردم حاضران بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا (ص) که مصداق آیه امام علی (ع) است (علت) - برای آن بود که مردم بی چشم خود بینند و از زبان پیامبر بشنوند و امکان گمان و شکافی کردن آن از بین برود (مکمل)

- آیدی تطهیر: برای آن که مردم از موضوع مطلع نشوند پیامبر مدت چهار روز صبح و خنک رفتن به مسجد از چنانی فاطمه (ص) می گذشت و اهل خانه را در اهل بیت (ص) می زد و آیدی تطهیر را می خواند.  
- پیامبر اکرم (ص) حدیث ثعلبن را بطور مکرر از جمله در روزهای آخر عمر خود تکرار می کرد.

- کارکردی امامت، علم، معرفت، کامل و عصمت از گناه و تشابه است.  
- حضرت فاطمه (ص) جزء اهل بیت است و اگر چه عمده دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و بیروی از طلاق در قاری بود.  
مسلمانان واجب است و شیعیان و اهل بیت در تشابه است.

- شرط ایجاد اجتماع منازعات به خدا و پیامبر (ص) است این بدان معناست که خدا و اوست.  
- آیدی تطهیر در مورد جابله، فضلت اهل بیت و عصمت و طهارت آنان است.

- در کتاب تورات آمده که امام یحیی (ع) با قرآن است.

- یوم الا نزار - از طریق کعبه و کتی نقل شده است.

- «احسن تأویلا» - انجام نیلوه برای کسانی است که از خدا و پیامبر و اولی الامر اطاعت می کنند و نزاع و کینه را بخود را به خدا و رسولش باز می آرند.

«حجی بک تشیع»

۸۳ / صفات - کاربرد لغت تشیع در قرآن

۱۵ / قصص - لا یقین به مقام و منزلت حضرت علی (ع) نزد خدا

- حضرت ابراهیم (ع) را در پی پیامبر حضرت نوح (ع) معرفی کرده است؛ با این که قرآن کریم آن نزدیکوار را «مسلم» نیز نامیده است.

- رسول خدا (ص) به مردم آن گدای کرده که پیروی از امام علی (ع) و کلمه بده مستورا او مانع کفر الهی و سرگردانی می شود و نجات جامعه را بوسیله آن باید دنبال کرد.

- پیامبر اکرم (ص) در رسولان خود که در آن گدایانند در آن است، این که بعضی (حضرت علی (ع) و پیروان او) قطعاً این ها را تسلط دارند.

- پیامبر اکرم (ص) با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود، فعلیت کلمه خود را در برابر بیست گزین زمانه مداری و قدرت را پیش بینی می کرد.

همچنین علت، تمام تلاش خود را بر کار می برد تا؛ ۱- شخصیت ممتاز علی (ع) را به مردم نشان سازد. ۲- تقصبات جاهلی و قبیله ای را از افکار آنان بزداید.

۳- کسانی را که برای رسیدن به قدرت می خواهند از این اعتبار استفاده کنند به اندوا تسلط.

- تحولات فرهنگی امری تدریجی است.

- پیامبر اکرم (ص) : «علی با قرآن است و قرآن با علی» «علی با حق است و حق با علی» (در من و علی، پیران این اقیانوس)

(در من و شما علم امر علی در آن است. هر کس این خواهد بد این علم برسد، باید از در آن وارد شود.)

- حضرت علی (ع) - عدالت اجتماعی را رسالت پیامبر الهی می داند.

- باور کلمه هستی فرزان، مانند اعتقاد بر خدا، پیامبر اکرم (ص) قرآن و قیامت، زمینه ساز وحدت بین ما مسلمانان است.

- برای حفظ همبستگی و وحدت میان مسلمانان، مجموعه ای از تفکر و جنبه میان مسلمانان - خودمداری از آنهاست و کوشش بر معرکات سایر مسلمانان.

کھله ای با سایر مسلمانان را پیامبر الهی (ص) : «لعلی که صبح خود را آغاز کند در اندک روزی رسولی به سایر مسلمانان نباشد» مسلمان نیست (۱) - دفاع از

مظلومان مسلمان - دفاع از اعتقادات با دانش و منطق - بالابردن جایگاه تشیع و دوری از بدبینی نسبت به تشیع.

- امام صادق (ع) : «رئیت خاندان ما با شیوه عابدی و کسبی و عیب ما نباشد»

وضع قرظی و سیاسی عصر اند (ع)

۱۰۹ - یوسف - ضرورت شناخت تاریخ گذشته از تاریخ اسلام و غیرت اعمی از آن برای دانستن زندگی مردم قبایل از نظر قرآن.

۱۱۴ - انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جبهه حق تعالی و حتی برای جبهه حق تعالی که در دست پیاپی هم نباشد و وجود دارد.

با خارج شدن رهبری امت از مسیر که پیاپی هم نباشد اما همان مشخص با وجود حضور در جبهه حق تعالی و فاقه قدرت و امانت سلام برای احزاب جبهه نبوی مسئولیت های خود را بشوند.

۱۱۵ - پس از سقوط نبی امیر، دروغانی که امام صادق (ع) رهبری را بر عهده داشت حکومت مسلمانان به دست نبی عباس افتاد.

خود را خود را در آن ائمه اطهار (ع) می دانستند

۱۱۶ - مسائل و مشکلات پس از رحلت رسول خدا (ص) (عوامل بازگشت به جاهلیت) ام

۱۱۷ - مضمونیت نوشتن احادیث پیاپی (با ندادن حدیث از طریق حافظ مردم و محققان از منبع هدایت بی بهره ای مانند و بی باجاری سلفی شخصی را در احکام دینی مخالفت می دادند).

۱۱۸ - تحریر در معارف اسلامی و جعل احادیث؛ برخی از عالمان و ائمه به قدرت و کرمی از علمای اهل کتاب به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی و مطابق با افکار خود و موافق با مباح قدرتمندان پرداختند.

۱۱۹ - ظهور شخصیت ها و الگوها غیر قابل اعتماد. (تبدیل حکومت نبوی به سلطنت قهری و کسری به پیاپی هم) حکومتش را بر پایه بی باجاری و مساوات بنا کرد و فرموده ملک کرامت و کرامی بودن و تقواست که طالبان قدرت و ثروت و قرب و منزلت یافته.

۱۲۰ - بعد از پیاپی هم (دانشندان اسلام با ترویج و تیز کردن خود را در جبهه نبوی در میان ایشان قرار دادند).

۱۲۱ - پیروان ائمه اطهار (ع) به رغم مضمونیت از نوشتن احادیث، از منبع هدایت بی بهره نمی ماندند.

۱۲۲ - قرآن هدایت و معجزه را برای متقین می داند. - قرآن به دین عاقبت ملتدین دعوت می کند.

۱۲۳ - آیه ای در سوره سبأ که می خواند: «... ان تدخلوا الجنة - ...» خطاب به مردم است و شرط ورود به جنت است.

۱۲۴ - برخورداری از ایمان شرط برتر بودن و لازم داشتن رهایی از سستی و اندوختگی و شکر و شکر و شکر است.

۱۲۵ - حکمت بردن روزگار نیست و پیرزنی تو بودم خدا در میان مردم به مظهر گشتن اینها آورد تا و آفرین. - پایزه کردن مؤمنان توسط خدا. نابودی طاغران کوا و شکر کردن از میان مردم.

۱۲۶ - ویژگی نساگران به پس از رحلت رسول خدا (ص) به گذشته بر نمی گردند. در این خود را حفظ می کنند.

۱۲۷ - ماندگاری قرآن و اهل بیت (ع) تا آخر الزمان بر اساس تدبیر و حکمت الهی است که انسان ها را به سوی صالح و راستی می کشاند.



در احیای ارزش‌ها و سنت‌ها

۱۵/ آفران سه راه یافتن مردم بزرگ‌خیز و پذیرش هدایت الهی، احقر و قدر رسالت پیامبر (ص).

۱۶/ اسباب سه مژده رسالت پیامبر (ص) به نفع خود مردم.

۱۷/ شوری سه مژده اهل بیت و پادشاه رسالت پیامبر (ص).

۱۸/ اسامی امامان در قالب مسئولیت‌های مقام امامت عبارتند از: ۱- اقدام مبرمج و برجسته دینی ۲- مجتهد در مسائل ولایت ظاهر

۱- اقدام مبرمج و برجسته دینی سه راه تعلیم و تفسیر قرآن: ۱- مستفان مخالف قرآن و حتی آنگاه که تابع امامت امامان نیز لوایز نبوده و توانستند از مخالف قرآن بهره‌بردار و به حقایق آن دست یابند.

۲- اقدام برای حفظ ایمان مردم (پیامبر ص) خرید از امامان مخلصه و بر این که مخلص را به اعلام بگذرانند و خود می‌سپردند و خود را از حجاب مبرمج گسترش دهند و بار خود را بر اساس آن تقویت کنند. امام رضا (ع) از کلمه لا اله الا الله قلیدی محکم من است و کورس بر این تعلیم محکم من وارد شود از غدا ب من در امامان در اما به شرط‌های آن و من از شرط‌های آن بگذرد.

۳- تعیین معارف اسلامی متناسب با نیازها نو: فدایکم امین آن که بزرگ‌ترین و کبریا (امام رضا (ع) : نفع اللغه: بخش‌های از خطبه‌ها و نامه‌ها کلمات حضرت علی (ع) / غرر الحکم و درر الکلم : یازده هزار سخن کوتاه از حضرت علی (ع) / صغیری مجلدی از امام سجاده (ع) خلاصه بر این مجموعه‌ها سه کافی از مردم کلینی / من لا یضره الفقیه از محمد صدوق / التهذیب و الاستبصار از محمد شیخ طوسی (کتب اربعه) نیز در ادبیات ۴- تربیت شخصیت‌های اسلامی: آموزش‌های اسلام را در عالم گسترش دادند و در میان حقایق آن را حفظ کردند.

۵- مجتهد در مسائل ولایت ظاهر: حضرت زین العابدین (ع) - معرفی خویش به عنوان امام بر حق (این دو اصل همواره برای حاکمان زمان حکم رواست بوده).  
۶- قاضی مجتهد به مردم: امام رضا (ع) راه‌های مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات اجتماعی را با کفایت در آن‌ها حل نمود و با تفسیر و تفسیر داخلی مردم بر اصل اسلامی بود و برای تحقق آن حتی از این جهان و حال خود در نفع برداشتند.

۷- تعیین مبرمج‌ها: هم‌فکر اسلام را پس از شیخ - باقی ماند - هم بدو رجحان و باقی ظلم و جور و بی‌امید و بی‌عقب‌گشت نمود. در عین حال روش زندگی امامان و به عنوان اسلام حقیقی و به نسل‌ها آید و معرفی کرد.  
۸- آئین از اقامات که در آن حساسیت دارد و مخفی نگه دارند، به‌ویژه آن‌ها در عین فتنه بر زبان برداشتن و کلمه خود را بخورند.

۹- تقام و منزلت انسان‌ها با فضیلت ناشی از (مخلوق) بندگی واقعی آن در برابر خداست.  
۱۰- اسوه قرار دادن صحابه و باید با در اصول و مبانی اسلامی زندگی آنان گمراه نباشد و این مهم، جز با تفکر و تفکر حقیقی که در عالمی آن بزرگوار نیست یعنی امام حضرت نوح (ع) فرمود: «ان احب الی الله علی رب العالمین»

۱۱- مژده‌های خداوند به مؤمنان و صالحان مبنی بر افزودن نیلویی در صورت انجام صالحات است.

۱۲- دوره ۶۵ سالگی امامت، مژده‌های ماندنی برای حقیقت‌طلبان است تا راه صحیح زندگی را بیابند و با اطمینان خاطر به مقصد برسند.

# «مکتوبات لیسلی»

۱۳/ انفال سے خود مردم غلبت غلبت امام عصر و حامل محرومیت ازین  
۱۱/ ارد سے اعمال و کردار را جابجا بحد و تغیر از حد کلت و بد بختی یا غارت و سر بلندی آن جابجا در غلبت امام عصر (عج) (۱)

یخسین غلبت غلبت سخت لری لیسلی از حد خلاف عباسی و نقیض لیسلی آن ن بزی پیدا کردن و بر شهادت رساندن امام مهدی (عج) و بر اینو لغت اجتماع کن روز  
- در عین غلبت غلبت به موعود اما در لی انسان ها برای پذیرش خدمت عمل الهی و نیز قدرنا نسامی و نا سپاسی و در خیر بودن جان آن حضرت

- تغیر و تحول در امور مربوط به جابجا مکرر قوانین و دست ها خاص خود را دارد و بنا به بدان توجه کرد

- هر جمعیت دینی و ولایت ظاهری: برای در دست رهبری امام عصر در غلبت ه آید باید توجه کند که در غلبت « در این جابجا در مقابل ظهور است و در آن حضور  
- بیفان بودن در نیست ابر مکتول عدم شناسایی انسان ها در کجوه هندی از رهبری ظاهری انسان است

- ولایت معنوی: انسان که به اذن خدا از احوال انسا ها آگاه است به صورت ها مختلف افراد مستعد و به ویژه لیسلی و محبا خویش را از کلت همار  
امداد های معنوی برای رشد و تعالی برخورداران سازد

- امام عصر (عج) در مادی که نسخ هفتد به ما از احوال و اخبار لیسلی با حکیم و کویج چیز از اوضاع لیسلی بر ما لیسلی و مخفی نیست « ما در لیسلی (لیسلی) او  
سر بر لیسلی نشود که هندی نمی کنیم و یاد شما را از خطا طرنی بر لم کرد از خبر این بوده که سواد ها و محبت ها بر شما فرود می آمد و لیسلیان لیسلی را لیسلی کن می کردند «

- یخسین رهبری ظاهری امام عصر (عج) بر عالمان دین و لیسلی است

- آئین زمان ظهور را اختیار و خلافت - آنچه برای ظهور لازم است - احساس نیاز جهانی به لیسلی - نا آید از هندی غلبت هندی - اما در لی غلبت

- باران امام برای همه صبا انسان  
- امام با قراع آمد « تکسین کنتان وقت دروغ کردند « یا هر لیسلی انسا « مثل ظهور حضرت مهدی (عج) « مثل برایی قیامت است هندی نمی آید غلبه لیسلی «

- عمر طولانی امام امری غیر عادی است، نه غیر ظاهری و محال چنین امری با قدرت الهی علی نبی شود

- احساس شوق و دلرانی در سوال برای شناخت یا دان امام زمان (عج) وجود دارد

- روز ظهور از نظر حضرت علی (ع) روز شادی فرزندان علی (ع) و پیران اولست

- خود حضرت مهدی (عج) بهره هندی از امام زمان (عج) را به بهره هندی از آقا قصاب نسبت ابر نسبت کرده است

- از نظر حضرت علی (ع) عدم بهره هندی از وجود امام زمان (عج) به محبت استقامت انسان ها و زیاده روی در نگاه است

- تغیر و تحول در کرده ها و اقوام و ملل، موعود بر تغیر اوضاع و شرایط آنان توجه خواهد کرد

«در انتظار طلوع»

۱۵ / نور - وعده‌ی گیتی الهی در باره‌ی یا بیان تاریخ به مؤمنان صالح

۱۶ / قصص - رسیدن زکریا و یحیی جهان به مستضعفان

۱۷ / انبیاء - وعده‌ی خداوند برای بر قدرت رسیدن نیکان صالح در جهان  
۱۸ / ائمه - وعده‌ی الهی برای غلبه و پیروزی دین حق بر همه‌ی این‌ها که دیگر

- تاریخ زندگی انسانها همگی مبارزه‌ی دائمی حق و باطل بوده است

- یا تاریخ به سؤالی: «نتیجه‌ی نهایی مبارزه‌ی حق و باطل چیست» با نفس انسان در باره‌ی جهان ارتباط دارد

- انسان که از سنگ خست است نتیجه‌ی جهان در آینده اند و اداره‌کننده‌ی این نفس نسا نسا کنی توانند آینده‌ی روشن برای تاریخ انسان تصور کنند

- خواب پرستان معتقدند به یلی از لام‌های خداوند حق است و دوست که با حکمت خود جهان را اداره می‌کند

- فواید زنده بودن امام: هر چه برای فریب کاری که نخواهد خورد، هر چه می‌خواهد معرفی کند به روی انسان خسته می‌شود و مردم کوفت‌ساز فریب نمی‌خورند

- پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بجزودی یا نبند - یعنی پیروان با ایشان - همه‌ی مندی جهان از هدایت‌ها و ولایت‌ها معنوی ایشان

- نگاه مثبت دین به آینده‌ی تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج) اهللی به نام در انتظار ۱۲، در درجیل‌ها زنده کرده است

- ویژگی‌های جامعه‌ی منتظره - به واقعیت‌ها نگاه خیر و امیدوارانه می‌کوند و بر امید فردای در جهان تکیه می‌کند - حکومت‌ها غیر الهی و

ظالمون را نمی‌پذیرد و تفاوت می‌کند - می‌کوند در جهت همان نوع از جهات عدالتی که انتظارش را می‌کشد و عدالت‌کند

- عوامل پویایی جامعه‌ی مهدوی: اعتقاد به انوار و عالمی برای آید و سعادت در راه عدالت خواهی و آرزوی برای حقیقت‌جویی

که آینده‌ی نبر: باور به مهدویت و تیزبینی حکومت‌ها ظالمون و تکیه بر عدالت و انسانیت در سر جهان

- مسئولین مسئولیت‌ها: منتظر: ۱- تعویت حضرت، این و محبت به امام ۲- پیروی از امام ۳- ایجاد عادلگی در خود و جامعه ۴- دعا برای ظهور امام

یا مبرا کرم (ع)؛ هر کس که دوست دارد خود را در حال ایمان کامل و مسلمانان مورد رضایت او ملاحظه کند، ولایت و محبت امام عصر (عج) را بپذیرد

- عصر غیبت: عصر خودی‌ها و تسلط و ترقیدهاست - در این دوره، فتنه‌ها کونان دارند نیک‌ها رنگ‌رنگ بی‌ای می‌شوند ولی ایمانی را تبلیغ می‌کند

مؤمن واقعی و حقیقی، به خود تدریس راه نمی‌دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود

- پیامبر (ص) به حضرت علی (ع): «تا تو را کترین عدلها در ایمان و یقین، کسانی اند که در روزگار این آینده زندگی می‌کنند، پیامبران زنده‌کننده امام از هادر

غیبت است و فقط به نسیب خواندن قرآن و احادیث ایمان می‌آورند»

- پیروی از امام عصر (عج)، پیروی از دستور آن حضرت همین بر ما حجت به عالمین دین و ولایت از آن‌هاست

- ویژگی‌ها: باران امام: پیشتران تحول جهانی و سازندگاری فعال اسلامی - کشتی‌سازان این باران، ۲۱۳ نفر، به تعداد باران یا مبرا کرم (ع)

در چند برداند بنابر فرمایش امام باقر (ع) ۱۰ نفر از آنان زنده‌اند. بیش باران امام جوانان اند

- در انتظار ظهور بودن، خود را بر تون اعمال عمر غیبت است، زیرا فرج و سائش واقعی برای دین داران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود

- لحاظی انتظار، دعا برای ظهور امام عصر (عج) است.

- ویژگی جانشینان در زمین - ایما - عمل صالح

- در صورت برقراری حکومت دینی، دوران خوف بر امنیت تبدیل می گردد.

- آئینه به اراده خدا از آن هسته، معانی است.

- ملازمی عبادت و اقی نغمی شرک است.

- علت نامشروعی مشرکان - استقرار دین و حیره شدن زمین حق بر مهدی ادیان و آمدن پیامبران.

- منت گذاری خدا بر ناتوان شمرندگان این است که آنان را به ترتیب - پیغمبران و وارثان زمین قرار دهد.

- ایند کعبه هر شب به امید شنیدن ندای امام زمان (عج) سر بر بالین می گذاردند و ایجا دعا می خوانند و در سجده از مسئولیت های منتظر.

- شکل و شمایل و وجود، رفتار و برنامهدینی هر کس تابعی از نفس اوست.

- امید به آئینه زینا معلول شوق دیدار امام است.

- طبق آیات قرآن، خداوند وراثت زمین توسط بندگانش صالح را در زبور پس از او ذکر کرده که همان تورات است و عهده داده است.

در حریم حجیت و ولایت فقید

۴۲/ فصلت - قرآن کریم، پیوسته‌اندی مسلمانان در تمام حریم حجیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت  
۱۲۳۳ توبه - پیامبر اکرم (ص) و دین حق او، پیوسته‌اندی مسلمانان در تمام حریم حجیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت  
۱۲۴۲ توبه - تمام حریم حجیت دینی در عصر غیبت با تفقه در دین و گسترش معارف اسلام توسط فقها

تفکر عمیق

- قرآن کریم دستورالعملی در هر لحظه از هر دم وقت و لحمت خود را صرف شناخت حقیقین کند و به در تفقه در دین بپردازد.

امام صادق (ع) از عمر کس از فقهایان گوید: از وی نفس خود، نیکبانی دین خود، مخالف گفته با بعضی کوفس خود، فرمان بردار فرمان خدای خود باشد  
پس بر مردم است که از او پیروی کنند.

- در عصر غیبت - در حجیت دینی در اسلام، حجیت فقید از عدلی یابد - حکومت اسلامی در چهار حیطه ولایت فقید استوار پیدا می کند.

- شرایط مرجع: علاوه بر تخصص در فقه، با تقوا و عدل و زمان شناس باشند که تا بتوانند احکام دینی را متناسب با نیازها روز به دست آورند.  
شرایط ولایت فقید: علاوه بر تخصص بالا، باید بیرو با افاضت باشند - بتوانند جامعه را در شرایط پیچیده‌ی جهان م رهبری کنند و با درایت و بینش قوی، نقشه‌ها  
در زمینان دین را حقیقی سازند. که انبیاغت و قدرت رحمت خداوند و بیرون ترس با دشمنان دین مبارزه کند، در اجابت احکام دین از کسی نترسد و  
با قدرت در مقابل تهدیدها بایستد.

- راه‌های شناخت مرجع تقلید: خودمان (باید بر اندازه‌ای از حکم فقه استیجاب داشته باشیم) - از دو نفر عادل و مورد اعتماد - لای از فقهای در میان اهل علم آن جهان  
که انسان مطمئن شود.

- از آن جا که ولایت فقید بیان کننده‌ی قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد.

- ولایت فقید باید مشروطیت و مقبولیت داشته باشد.

- فقهایان از نظر: امام کاظم (ع)؛ درها مستحکم اسلام - محافظت و خداست از آن در مقابل کفر اندیشی‌ها.  
به صادق (ع)؛ هر دو فقها - خلاف در عهد اسلام.

- قرآن پس از دستورالعمل فقهایان در دین و بارگشت به سوی مردم و از ترسیدن و متوجه شدن مردم می تواند.

- و عیب کوچک لرزیدن برای مؤمنان به ترتیب بدان منظور است که تفقه در دین و انداز با هدف برانگیزانستن از نبایست که محقق شود.

- پیوسته‌اندی فقهایان با ائمه با اعدا در تسخیر حکومت و حجیت علمی - کتاب - است، تقوای الهی.

- راهبری حقیق میان مردم و مراجع و مصلحت انتخاب طاعتی مراجع بوده است.

# در ویژگی های حکومت اسلامی

- ۱۸۵/۱ اصل از روشنگری مردم و رساندن آنان به روشن بینی و بصیرت از مسئولیت های رهبر جامعه نسبت به مردم
- ۱۸۲/۱ خود قاطعیت و استقامت از مسئولیت های رهبر جامعه و استقامت و پایداری از مخالف مردم نسبت به رهبر
- ۱۸۹/۱ اکل عریان به دانشمندی، لذت، آموزش، مشورت، قاطعیت همراه با طول، برخلاف از مسئولیت های رهبر جامعه یعنی اسلامی نسبت به مردم
- ۱۹۰/۱ طرف پیروی از رهبر و تقویت از مقررات و قوانین اسلام از وظایف مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی.

- با توجه به تولد مردمی جوامع، لازمه مشورت و مجامع گروه ها و نهادها مشورتی است در امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل گوناگونی وجود دارد.
- ولی فقید در تقسیم گیری قاطع و استوار است و با طول برخلاف و ندرت برناهدی را به پیش می برد (علت) و مانع خلل و نسیب در نظام اسلامی این کشور (مغولان)
- تقویت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی مستقرین حق مردم است.
- با تسلیل حکومت اسلامی به منافع ظالمین و مشایران به خطر می افتد.
- گاهی گاهی نسیب و اجتماعی را مردم باید در خود افزایش دهند - از وظایف مردم - خیرخواه و نصیحت گردی و یاری دهنده رهبر باشند.

حقیقت علی (ع) در نزدیکترین حق در خدا واجب کرده است به حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حقوقی در خداوند بر هر یک از این دو نسبت بر هم واجب کرده و آن را سب و دوستی و الفت است آن را و از جنبه دیگری در نسیب قرار داده.

مردم جز به صلاح حالمان، اصلاح نپذیرند و حالمان جز به پایداری مردم و نیت نپذیرند پس گفتم که مردم و وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دهند و حالمان نیز حق آن را ادا کرد و حق در میان شما مقرر از مسئولیت کشور.

نظام جمهوری یا مردم سالاری به بر اساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است و یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده اند، نه فرد یا گروه خاص.

تفاوت میان نظام های دموکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی:

۱- حکومت اسلامی بر بنیاد قوانین اسلامی است و قانونگذاران نمی توانند برخلاف دستور الهی قانون تنظیم کنند - مردم سالاری یعنی:

۲- دموکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش های الهی بی اعتنا است. اما هدف اصلی از نظام اسلامی - سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی و آسایش و رفاه مردم.

- مردمیت و ولایت فقید در غیر غیبت، همان چراغ هدایت است که در پرتو آن می توان راه را از بی راهی ساخت.

- در حکومت اسلامی زمین عبودیت - تنوع خوالقی - برابری و عدالت - به هم راه توکل و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می آید.

- شرط اولی بقای نظام اسلامی - دخالت و حمایت مردم.

- امام علی (ع): عیب جبار را باید از خود دور کرد و سخن چنین در لباس نصیحت ظاهر می شود و در اصل خفاست.

- دوست داشتنی ترین جنبه ها باید در عمل شما عمل ترین، در حق ما ندرت و در حجب مستغنی مردم قرار گیرند باشد.

- از حقوق مردم بر رهبر اینست که رهبر آموزش دهد تا قادران گانند و تقویت کنند یا در لیب.

- نیاز مندی بیشتر همگونی به عدالت علی است برای مستقران ندرت عدل مسئولیت های حکومت - از رسیدن به همگونی.

«عزت نفس»

۱۶/۱۰ - کرامت ذاتی و منزلت انسان در حقیقت و ارزش زندگی او در بستگی به خدا  
۱۶/۲۶ - یونس به عزت زندگی، پاداش روی آوردن به نیکی‌ها و استیذان در برابر تعالی است تا مشروع  
۱۶/۲۷ - یونس به مذلت، تقوی در برابر روی از تعالی است تا مشروع و روی آوردن به انانیت و رنجی.  
۱۸/۱۸ - طاعت و بندگی خدا و زود راه پیوند به جسد کرامت  
۱۰/۱۰ - فاطمه راه تقویت عزت و ایستادگی در برابر هولیس و گناه: روی آوردن به خدا و پیروی از او.

- عزت به معنی تسلط یا پندری است و در مقابل آن مذلت قرار دارد.  
- با ارزش ترین و ارزاترین چیز برای انسان این است که خداوند بهای او است  
- برای حفظ کرامت، باید عزت نفس کسب کرد.

- عزت نفس در مورد ضروری است که در برابر خداوند که نامشروع درونی (که نسبت گناه می‌شوند) - در برابر انسان عالم و مستغیر بیرونی.

- قرآن کریم ابتداء عزت را برای خدا دانسته و سپس برای رسول خدا (که از بهی حال او است و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول  
خدا (ص) بندگی خدا را پذیرفته اند و تسلیم او شده اند.

- حضرت علی (ع) در وصف انسان که عزت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس پیروز شده اند می‌فرماید: «خدا در نفس انسان نبره است  
پس غیر خدا در جسد آن روح است»

- برای تسلیم شدن در برابر تعالی و حفظ عزت نفس خود در برابر این تعالی فرماید: «بنده در برابر تعالی خوار است بناچار خدا تو را آزاد، فخریه است  
امام حسین (ع): «هر که با عزت از زندگی با لذت برتر است»

- کسی که بنده می‌خواهد عزت را بیابد و خود را همواره در پیشگاه تعالی بند  
کنند و رنجها سبب می‌شود که انسان به قدر توانایی بر روی عزت حرکت کند و از لذت خود بگذرد.  
- اما یلالت عالی مربوط به بُعد روحی و معنوی است و تعالیات دانی مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی.

- انسان باید به گونه‌ای زندگی خود را تنظیم کند که تعالیات دانی مانع نشود و تعالیات عالی نلرود. در حقیقت، تعالیات دانی  
تعالیات بدنی نیستند و بلکه برای زندگی در دنیا لازم اند، اما نباید از خود تجاوز کنند که خود را از تعالیات دانی و تعالیات بدنی  
عقل و وجدان (نفس کوامد)؛ انسان را به تعالیات عالی می‌خواند چون به دنبال شوق سنجی همگسلی او است.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس کوامد گوش فرای دهد. انسان گناه کار نیست، از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم نشود  
ابتدا در خود می‌تواند و حقارت را پذیرد می‌شود.

- فخر و عظمت خالق، ارزشی که به خود عالی انسان است. - لازم می‌آید حفظ کرامت نفس، وظایفی بر ایشان است.  
- زیانکارترین مردم در قیامت کسانی‌اند که خود را اهل خود را بیازند. - ضایعات عزت را نمی‌دانند.

- احساس حقود در بستگی خدا ذکر است و عدم احساس آن غفلت که رنجند تعالی خود فراموشیست.

در شنیدنیها کی پیوند

۲۵/ اخواب - بلسان زین مقام و منزلت انسان زین و مرد  
۲۱/ روح - انفس با همسر و شتر اخلاق از اهداف تسلیل خانواره  
۲۲/ مصلح - رشد و پرورش فرزندان از اهداف تسلیل خانواره

- کلمه انفس، انسا و نسی هم در قرآن کریم اخصاص به جنس خالص ندارد.
- مردان و زنان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی های فطری بلسان و هدف مشترکی دارند.
- هر کدام از زن و مرد به میزان تقوا، عفاف و دوری از ناموس نزد خداوند گرامی تر است.
- زوجیت میان زن و مرد آنجا که مصلحتی دارد که هر دو تکمیل کننده یکدیگر باشند.
- تفاوت های بین زن و مرد، به گونه ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده، بدون اینکه یکی بر دیگری برتری ذاتی پیدا کند، زیرا برتری هر کس نزد خداست تقوا.
- برخی تفاوت ها ریشی و روان نسبی است (علت) شده که هر کدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک چنانچه نفع نفسی و مصلحتی را بر دیگران ببرند.
- امروزه کار اخصاصی بلسان از نفس ها دوری تا کیست - نانی از این استنباط نیاید است که می پذیرند فضیلت و قدر و منزلت آدمی به قدرت اخصاصی آن است.

- مهترین عامل (علت) بایاری خانواره، پس از ازدواج، درک صحیح زوجیت و عملکرد هم بودن زن و مرد و عمل به این حدیث است.

- اگر درک متقابل از نیازها وجود استنباط (علت) به تعبیر قرآن، لباس لیدری شود و نسیها و نفس ها لیدری را می پوشانند (محلول).

۳- هدف تسلیل خانواره:

- ۱- پاسخ به نیاز جنسی - ابتدایی ترین زمیند - از دوران بلوغ این نیاز احساس می شود. اولین گش و چنانچه بین مرد و زن - پاسخ به این نیاز از ارض روانی
  - ۲- انس با همسر - توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سلولت و آرامش نفسی تر است و همکارانش در خانواده است.
  - ۳- رشد و پرورش فرزندان - فرزندان همگی پیوند زن و مرد و تکمیل بخش وحدت روحی آن است. جهاد است روانی و جسمی کودک و تکامل رفتاری و عقلی
- احساسی و ملی بدخواست الهی است.
- ۴- رشد اخلاقی و معنوی به اولویت برساند - عالی ترین هدف تسلیل خانواره، رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای خانواره است.

- خانواره - نهاد طبیعی لازمی خلقت انسان -  
- تعبیر قرآن از ازدواج هودت و رحمت است علاوه بر آرامش -  
- زن و مرد دو امر وجود خود را در فرزندی بیفتند و رشد و بالندگی او را بایاری و وجود خود می یابند.

- انسان ها در زبان اند مردان های که ایان آورده و عمل صالح انجام داده اند و همید را به حق و تسلیمایی و استقامت آموخته اند.

- اهداف درست و نسیه در نیازها جاری.



- لجره / ۲۲۱ - مصدقین مختار همسر نسا نیستند، با این بودن  
- ۱۴۰ ابراهیم نقش بدو مادر با ایمان در رشت و تولیت فرزندان صالح و نسا نیستند  
- ۱۴۱ ابراهیم نقش فرزند با ایمان در رشت خانوادگی معافین.

- خانوادگی مورد قبول خداست بر هموار نیاید یا لذای لذت است - اعتقاد این قانون می توانند در سایه خانوادگی مسیر رشت و تعالی را طی کنند و به سعادت برسند.  
- اگر عقلی بر زود انجام گیرد با خلل - مشروطیت ندارد.  
- در آستان قدرت انتخاب کار نکنند و در عین حال مشروطیت را است. - علامه آنتیاب نسا نیستند تسلط کامل بر کشور و احساس جوانی است.  
- امام علی (ع) در خلافتی نسا بدو بد چگیری آدمی را نور و گرامی کند.

- لطافت های روحی و صفات های عاطفی دختر، آن گاه که در فصل هجرت و عکاسی مجلس مخالف قرار می گیرد، احتمال نایده گرفتن برخی واقعات را دارد.  
- مهندسان به علت حیاء و عذت نفس صوری خود در ازدواج پیش قدم نمی شوند.

- از نظر قرآن، همسران مختار همسر نسا نیستند، با این بودن اولست، اگر این مختار در فرزند وجود نداشتند، ازدواج با او حرام می شود.

- تحقیق درباره همسر نایده، بدانند که آن تبیان به اطمینان در تقسیم گیری و لیدر ضروری است. تحقیق باید تجدید بخش باشد و در حین جزو ضوابط الهی است.

- در صورتی که قبل از ازدواج، همکار "احساسات" که هر دو نفر که می شود و هر طرف اقرار دارد خود را به هم رسانند، ازدواج حرام می شود.

- آنگاه تا خیر در ازدواج، افزایش فضا و روحی و روانی، روابطنا شروع و آسایش اجتماعی  
- اگر فردی نخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیازهای جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، گذشتگی بر خاسته از نگاه، پس از زندگی روح دروا فرد را بر آورده ای که  
و شخصیت او را می شکند. این افراد برای فرار از تیر مردگی به افراط در ناه کشیده می شوند.

- در بلوغ عقلی و فکری و جنسی - با رسیدن بلوغ عقلی و جوان درمی یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنا برداری کرد.  
که عدلی پس از بلوغ جنسی فراموشی

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیستند.  
که در بزرگی دختران و پسران خود امهاتن ازدواج را فراموش کنید تا خدا اخلاقتان را نیلوا کند و در رزق و روزی آنان تو کسب دهد و عفاف غیرت آنان را زیاده کرد.

- آوقعات غیر ضروری معلول برخی آداب و رسوم غلط است که برخاسته از تخیل می شود.  
- امام باقر (ع) در خوردن که لیک لیوان آب نه نشوگوشتن برده، از لیوانی روزه داری و نسا روزه داری بر این گفته است.  
- ابره بنای اینست، مرد همسر زن خود و پدر فرزند آن است و زن همسر شوهر خود و مادر فرزندان آن است، زن و مرد دارای نقش ها هستند و اعتقاد صحیح آنست

۳۱- طوره حکمترین هدف ازدواج و نقس لشکر پدر هار و لشکر و کالی خود و فرزندان  
۲۳ و ۲۴/ اسراء و وظایف فرزندان

- لیجان از دو اوج در عقد نام دارد که تمدد راسخی و سرخی دختر و پسر برای تسلیح خانواده است.

- شرط اصلی عقد: ۱- اعلام رضایت دختر و پسر و اجباری نبودن ازدواج ۲- آذن پدر برای ازدواج دختر که صدق یا مهریه زن  
صدق یا مهریه در لیجان زن نسوی و مرد به نسانی ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر و مقصدی شود که هر دو برای راب عنوان  
(مهر) به زن تقدیم کند.

- اصطلاح قرآن برای مهریه «قرآن از دو کلمه «مخلت» به معنی تقدیر و بیعتن و «صدق» به معنی نسیان صدق و راستی برای مهر استاده کرده.

- مهر و محبت نسیان اصلی تمام خانواده است نه مهریه.  
- بیعتن یا نسیان را که فقط با تعیین مهریه که زن را شرط عالی نسیان حاضر به ازدواج می شود، بی نسیانند.

- زن و مرد در احساسات و عواطف و برخی دلایل از خصوصیات روحی و جسمی با یکدیگر تفاوت هایی دارند. عدم نسانی با این تفاوت ها سبب اختلاف  
سلیقه و انتظارات نابجا از هم می شود و نهی بخش را در همان آغاز ازدواج فراموشی کند.

- مهر برای خانواده دارای نقش های زیر است: ۱- تأمین هزینه زندگی خانواده که مدیریت و نسیان از عدم خانواده را برای محبت غیر با همسر  
محبت و نظارت پدری.

نقد: مرد زندگی زن نسوی و تأمین هزینه ها که از آن خودداری و نسیان و نسیان برای نسیان و روان نسیان همسر ضرورت دارد به مهر که او فرست.  
این وظیفه عالی از نظر شرعی و حقوقی به پرداخت نقد تغییر نکرده است.

- شرط پرداخت نقد نیازمند بودن زن نسیان و بلوغ انجام وظایف همسر است.

- اگر مدیریت نباشد و تقسیم کار به خوبی صورت نمی گیرد و در اعلام بروز مشکلات و افراد آن اجتماع نقش خود را به خوبی اجرا نمی کنند.  
- انجام درست مسئولیت در هم مرد، نیازمند برنامهریزی و مشورت با سایر اعضای خانواده و استفاده مت در برابر ملاکات است.

- همسر با شنیدن ایراد محبت مهر و اعتماد به نقس فوق العاده ای می باید و توجه او به زندگی چند برابر می شود.  
رسول خدا (ص): «این نقس مرد به زن که «تو دوست دارم» هیچ گاه از قلب او بیرون نمی رود»

- نقس زن در خانه نقس همسر است و اگر زن نبود این نقس را به خوبی ایفا کند. مابقی خانواده همسر و روابط اعضای خانواده تا نسیان می شود.  
- نقس زن در خانواده به همسر داری - تدبیر امور خانه - هادی

- اوامر کلی (ع) در چهارم زن، شوهر داری در بهترین شکل آن است «مرد مدیریت خانواده را بر عهده دارد و زن، مدیریت داخل خانه را.  
- مدیریت داخلی به جمع گشته و پیوند ذهنی پدر و مادر فرزندان و نگهدارنده ای آنان زیرید لطف است.

مادر از زینت ترین جامات در همسر فرزند هاست.  
- تصویر ذهنی ما از پدر و مادر به برگرفته از تجربه بی ما از زندگی یا پدر و مادر است.

- ما باید دستورات پدر و مادر را تا آنجایی که مخالف فرمان خدا نباشد، اطاعت کنیم.  
- حفظ حرمت پدر و دستورات وی و به قانون بند کردن فرزندان لطف است و محبت و احترام به مادر و حسن قدر دادن و شکرگزاری را در کارمان قوی می سازد.

«فهرستی نخست»

۱۵۱۷ / خاطر به نیاز ذاتی مخلوقات در هستی و تعالی خود بر خدا و استغاثه ذاتی خود و نیاز خود را

۱۵۱۸ / نور به خدا و نوره نور هستی -

- هر یک از ما با تمام وجود خود را می‌بالیم و محقق شدن را در دلمی کنیم. قرآن کریم ما را به معرفت حقین تر در این باره دعوت می‌کند و راه‌ها متفاوتی را

به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها توجیب به نیاز فیزی جهان است. در دنیا این جور که به خدا است.

... مقدمه اول: پدیده بودن جهان و در خود قلمی نبودن آن - هرگاه به خود نظری کنیم درمی‌یابیم که پدیده‌ای که هستیم در وجود و هستی ما از خود ما نیست.

انسان و موجودات جهان پدیده‌هایی اند که در وجود خود انسان قلمی نیستند.

مقدمه دوم: هلاک نیاز فیزی جهان به علت - هر پدیده‌ای که وجودش از خودش نباشد برای موجود شدن نیازمند به دلای است -

در وجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دلای نیازمند نیست. کلمات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشتند باشد.

- در قرآن، خداوند غنی و خواننده شده و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقر» و نیازمندند. این نسبت کوچک تغییر می‌کند. هر چه انسان کمالاتی از نظر علم و قدرت کسب

کند، باز هم نسبت به خدا فقیر است؛ زیرا خود را آنچه بدست آورده، از خدا سرچشمه می‌گیرد.

انسان‌ها هر قدر که به بهانه‌های حقیقی کامل‌تر شوند (علت)، فقر و نیاز فیزی خود به خدا را بهتر درک می‌کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خدا قوی‌تر و باطنی‌تر

این کشور (مملکت) به همین جهت باید در آن با ما همان در اولیای الهی پیش از دیگران باید بود تا در جهان راز و نیاز می‌کنند.

- این که انسان در نسبت پدیده‌ها با خدا و در درجی که چیزی به خدا را بگیرد، معرفتی برتر و حقیقی است در درجه نخست مسلط بر نظری آید، اما بعد از اصلاح اصل آن پذیرد و

قابل دسترس است، به خصوص برای حیوانات؛ زیرا برتر اصلی حرکت بر اساس این هدف، باطنی و هدفی قلب است که در اغلب حیوانات و در حیوانات وجود دارد.

- از روی شناخت هر چیزی به احاطه و دسترس بر آن حواس است.

- خدا حقیقی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در طرف دین ما نمی‌توانیم در حقیقت خدا احاطه پیدا نمی‌کنند، از این روی تعالی تو انیم لولیم که چیست.

- بیا به (الم لهن) در خداست و هستی خداوند فکر نماند، در لغت «خداوند فکر کنید»

۱۵۱۹ / هر چه آید و نشان بودن بر باری الهی و زمین و متاد جسمانی بر خالق خود و و استغاثه آن در بقای خود به خدا.

۱۵۲۰ / با این که لزوم توجیب به خدا و یاد او به دلیل خالقیت او و ناتوانی همه در برابر اراده‌ی الهی

۱۵۲۱ / یونس به یاد خدا در لحظات خطر و در جوانی است خاله‌ماندی نجات از او در آن لحظات.

- برترین خلق و حقیقت خدا است و هر قدر که خلق خود را از خدا می‌گیرد.

# در بیان توحیدی که خدا را

۱۶ / عدد در توحید در خالقیت

۱۷ / توحید به یگانگی و بی مانندی خدا در همه ابعاد توحید

۱۱ / توحید به

۱۰۹ / آن که قرآن به مالکیت خداوند بر جهان از نتایج خالقیت او

۲۶ / آنست که فرمانروایی و ولایت خدا بر جهان از نتایج خالقیت او

۱۶۳۶۴ / واقعه توحید در ربوبیت

در بیان توحید به در خالقیت: خدا تنها مبدأ و خالق جهان است. در کار آفرینش شریک و کمکی ندارد. جهان از اصل عالم متعددی پدید نیامده است. در خالقیت: این تصور است که خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان است یا با کمک دیگری هم این جهان را آفریده اند. اگر چند مبدأ و چند خالق برای جهان تصور کنیم، در واقع هر کدام از آن‌ها را محدود و ناقص فرض نموده ایم.

در ربوبیت: خدا «رب العالمین» است یعنی صاحب اختیاری است که تدبیر همه امور هستی بدست او است. او است که جهان را اداره می‌کند. توحید در ربوبیت: مطلقاً و تماماً توحید در خالقیت است.

بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند. هر قدر در ربوبیت: اگر کسی در دنیا (در غیر حق) ربوبیت الهی را برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و فکر کند غیر خدا می‌تواند مستقل از خدا امور را تدبیر کند، ارتقا و تکرار کرده است.

اصول عقیده به توانایی پیامبر (ص) و اولیای دین در بر آوردن حاجات انسان وقتی موجب شکر است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم، اما اگر این توانایی را از خدا و بدانند خدا باین معنی توحید است و از این جهت مانند اثر شکر بخشش دارد است که خداوند بر آن بخشیده است.

مستندین اعتقاد دینی و باید دانست که توحید است. بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دینی دلیلی اعتبار ندارد.

اگر چند مبدأ و خالق برای جهان تصور کنیم، هر کدام از آن‌ها را می‌توانیم غنی کنیم.

۱۴۱ آنکه اگر عبادت را بطوری میانه توحید در ربوبیت و توحید در عبادت در هر دو بگذرد فردی واجتماعی: توحید عبادی توحیدی انسانی با توحید در ربوبیت  
۱۴۲ توحید به اهر صراط به توحید در عبادت در هر دو بگذرد فردی واجتماعی

۱۴۳ اصل به طرف از لغت بنام میزان، تحقق توحید در عبادت در هر دو بگذرد فردی واجتماعی و لغتی که در آن (ملازمه توحید عبادی)

۱۴۴ انعامان به ملازمه تمسک به دست آویز محکم، به برخورداری از توحید در عبادت در ربوبیت

۱۴۵ فایده به توحید در عبادت در ربوبیت

۱۴۶ فایده به توحید در عبادت

این از نشانه‌های خدا به عنوان تنها خالق و آفریننده‌ی جهان و تنها سرمدی لغویها و زیباییها (توحید در حقیقت) و کاشی بر آیند او تنها مانند کسی نیست  
آراء گفته و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، در می‌یابیم که آنها وجودی است برایش و عبادت، یعنی لغت مکتوب انسانها مکتوب است.

توحید در عبادت به فقط خدای بی‌شائبه را پرستش کنیم و تسلیم فرماییم او بالتمام - کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او برای کسب رضایت او انجام دهیم  
اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت جانشینهای آن حضرت ملازمه توحید (در هر دو) است.

ایجاد توحید محلی به فردی - اجتماعی

۱- انسان مومن نمی‌تواند کشتن ها و تها یلا - درونی و تقسیم ها و فعلی کت که خود را به کونای سها دهد که در دید شما فعلی مناسب و نسبت ربوبی  
خدای بپروردگار خود بندگی او باشد. او به عزای در این حکمت پس می‌رود، اعیال و غیر آن خود مثل میل جنبی، میل به قدرت و ثروت را تنظیم و کنترل می‌کند که اگر اینها  
بهتر مانند حقیقت طلبی، عدالت خواهی، نوع دوستی و احسان و جفا نگرایی در رفتار او ظهور بیش تری می‌یابد.  
اودارای شخصیت بی‌نزد و بیچاره در حکمت عبودیت و پرستش خدا می‌شود.

۲- شرک در عبادت در ربوبیت به انسان به جای کتبت از خدا و کسب رضایت او از خدای نفس خود یا دلایان اطاعت کند و کارهایش برای رسیدن  
به خواسته‌های نفسانی در خداوند هدایتان باشد.

۳- مشرک به تحت سلطه‌ی تها یلا نفسانی خود و دلایان قرار دارد (علت) به فردی است چند شخصیتی با حکمت لری که حقوق و نسبت و سوا را بگذرد و در خود  
مکتوبهای کونان که هر کدام او را بسوی می‌کشند و اگر نفس را سلب می‌کند (معتدل)

۴- میان بعد فردی واجتماعی توحید به نسبت و تناسب وجودی

۵- شرک در عبادت در ربوبی اجتماعی: اگر در یک از افراد جامعه، خواسته‌ها و تها یلا در نیایی خود را دنبال کند و فقط منافع خود را محور فعالیت  
اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون در خیر رساندن به دیگران نباشند، شرک اجتماعی تحقق می‌یابد. در این جامعه بعضی از جاهلیم طاغوت و مفسد است او اسخ.

۶- کلمه لا اله الا الله، کلمه توحید و بهترین لغت اسلام و جامع همه‌ی ابعاد و اقسام توحید و لغتی که در آن شرک است. توحید به آن و ظاهر در آن

بسیار از آن است و موجب فلاح و سعادت است. بسیار از آن است و موجب فلاح و سعادت است. بسیار از آن است و موجب فلاح و سعادت است.  
پسویان ما توحید کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جهان ما عجین شود.  
بیا هر کدام (ص): «بهای بهشت لا اله الا الله است.»

هر چه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی تری نسبت به این عبارت برسد، بیش از آنکه در حفظ جزای و سیرت بی از اعضایی که او دوری  
بی کند (عقلیت). بد همین جهت این کلمه در حق انسان را از نگاه حفظ می کند و به مراتب بالاتری از زیبایی ها و اعمال خالصی رساند (مطلوب)

بیاورد (ص) اولین سخن رسول خدا (ص) در دعوت مردم به اسلام **لا یلبسوا ینسوا** خبر خدا نیست تا رسد (نبوی) است  
که در این کلمه در حق انسان را از شرک در عقیده عقل حفظ می کند بد همین جهت خداوند این کلمه را در ذکر مستحکم خود، ناهیه است.

- توحید و محمود و روح زندگی عینی و از راه محمود و روح زندگی قدر دینی است.

توحید و شرک در جهان امروز

که در هر کس از انسان ها به امور دنیوی، عقلیت از خدا و کبریت  
وارد کردن دین و دست برداشتن آن در حق زندگی خود، عقاید شرک و بت پرستی جدید.

رشدی شرک و بت پرستی جدید به برخی از انسان ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دست برداشتن آن را در حق زندگی خود وارد نمی کنند  
و تعالیات نفسانی و دنیایی خود را اصل قرار می دهند.

همبازی با بت پرستی و شرک و بت پرستی از نظر قرآن

اطاعت از ارباب های غیر خداوند - پذیرش کسریستانی خبر او - بندگی کسانی خبر او - خارج کردن دین خدا از برناهدن زندگی

لکنه و بلیا چیدن نفسان نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت کهرجا نهد از او نشیوی بعد فری توحید علی است.

- زندگی انسان عموماً خبر جدید با پذیرش خدای یگانه و تدبیر و اداره جهان بوسیله او که محفوظی ندارد.

«درهتیر اخلاص»

۱۶۶ / سبأ - اخلاص در بندگی

۱۶۷ / زفر -

۱۶۸ / پس - گرایش فطری انسان به بندگی خدا (صراط مستقیم) و نفی اطاعت از شیطان

۱۶۹ / یوسف - اولین نمونه اخلاص و عدم نفوذ شیطان در انسان و باطن او از فرد با اخلاص

۱۷۰ / عنکبوت - انجام عمل صالح از برنامهدی رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

۱۷۱ / ملک - تقویت روحیه تلقین پذیرگی از برنامه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

۱۷۲ / طه - راز و نیاز با خداوند از برنامه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

اخلاص: تمام محبت‌های دنیا و اخلاص انسان نسبت و سعی و خدای پیدا کند و سعی کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام گیرد

اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید علی است

به هر میزان درجه‌ی اخلاص انسان نزد خداوند بیش تر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه‌اش در بهشت بالاتر است

اجزاء عمل: نیت: هدف - قصد - روح عمل  
پایه‌ها (مردم): نیت مؤمن برتر از عمل اولست

شرط عمل: هم باید نیت قلبی و درونی انسان الهی باشد (حسن فاعلی) و هم باید مطابق با تسلیی که خداوند فرمان داده است انجام گیرد (حسن فعلی)

۱- حسن فاعلی به طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می‌آورد

۲- فطری رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص و این برنامه‌ها را می‌توان در پیش گرفت:

۱- تقویت روحیه تلقین پذیرگی به اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص

۲- افزایش معرفت به خدا به افزایش شناخت و معرفت نسبت به خدا و انگیزه‌ی ما برای تیر نفس و بندگی نیز افزایش می‌یابد

۳- راز و نیاز با خدا و خداوند است از او به نتایج محبت خدا و قلب تقویت می‌شود - عقبت را کنار می‌زند - انسان را از امدارها الهی به دور می‌سازد

۴- یاد خدا و روز حساب به ایلی از راه‌های بسیار مؤثرند

۵- انجام عمل صالح به قرآن غنا با عمل صالح را بعد از ایمان معرفی می‌کند. نتایج انجام عمل صالح به پرورش انسان و جانشین سازی از آن - هدایت توسط خدا

اولین نمونه اخلاص به عدم نفوذ شیطان در انسان و باطن او از فرد با اخلاص است

شیطان خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص ندارد

نمونه‌ی دیگری اخلاص و احساس اطمینان در کارهای روانی و زندگی سالم و نجات از دغدغه‌ها و اطمینان است

اثبات خالی اخلاص به تجلی انبیا الهی یا صفات که الهی می‌خواهند در انسان

بالا ترین هیوهی اخلاص به دنیا محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه الهی است که بنا به کتیر امیر مؤمنان و نهایت آزادی عارفان و دوست دل‌ها همدارند

ولی مؤمنان و مشور عا اطمینان است

به بیان قرآن و حسرت زدگی و نسیانی خود سران در قیامت معلول نشینان و عدم تعقل است

۱۳ انسان به وجود اختیار در انسان

۱۰۴/۱ انعام به وجود اختیار در انسان

۴۱ افطر به اعتقاد به حفاظت و الهیاتی همان از تاسخ اعتقاد به خداوند حکیم و نظام حکیمانه ی او

۴۹ قمر به آفرینش (قضای) موجودات بر انسان تقدیر و خصوصیات و ویژگی هایش

۶۸ اغانی فر به اراده کانونی و کلامی خداوند بر وجود نخستین به پدیده همان و ایجاد همان به حکم و اراده ی خداوند

۱۲ احباب به رایج میان قدرت اختیار انسان و قانون مادی که نظام همان (محدوده ی اختیار انسان)

۱۴ ایں به عدم خروج موجودات از قانون مادی خود

- توانایی انتخاب و نیز نداشتن از اختیار است

- شواهد وجود اختیار به فکر و تقسیم - احساس رضایت یا نارضایتی - مسئولیت پذیری - عمدتها و بیعتها

انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است به احساس نوعیت می کند از خود باوری بالایی برخوردار است - در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند - تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران بر می آید

- عوامل شگوفایی اختیار

- اعتقاد به خداوند حکیم: بهترین طایفه را رسیدن به این معرفت

- قانون مادی بودن جهان (قضا و قدر الهی): با شناخت و استغناء از قوانین جهان نیازها خود را برطرف کنیم، استعدادها خود را به فعلیت می رسانیم و پله های کمال را می نیامیم

- موجودات جهان به از آن جهت از خداوند متعال به مخلوقه اندازدها و ویژگی ها و موقفتیت هایش و صفاتی آن ها را آنگاه که تقدیر الهی اند

- موجودات به به به که با حکم و فرمان و اراده ی الهی ایجاد می شوند، هر یک با به (عقوبت به) قضای الهی اند

- بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زنجیری بر وی کار اختیار پذیرد نمی آید

= اعتقاد به قضا و قدر به زنده ها مانع تحرک معنای انسان نیست، بلکه عامل زنده ساز آن است

- وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده ی الهی خواست اولست

- اراده ی انسان در طول اراده ی خداست و با آن منافات ندارد

- ذایره و محدوده ی اختیار انسان از دو جهت بر او می شود

۱- قانون مادی های حاکم بر جهان

۲- میزان علم و دانش فرد

ما در دنیا هیچ قدرتی حاکم بر هستی خلق انتخاب نداریم - بلکه مخلوقات فقط در صورتی راجع و متصرف انسان می شوند که او می ویرانی آنها

و قانون مادی های آن را نبیند

- نظیر نفس علتها در بیرون موجودات، به به به منفرد و جدا از هم در بین تقدیر الهی و نظام حاکم بر جهان علت است



و در نشست ها خداوند

۱۸۲۷ / آن عزم به دعوت قرآن به شناخت سنت های حاکم بر زندگی انسانها با مطالعه در زندگی گذشتگان

۳ / عقلیت به سنت امتحان و ابتلا

۶۹ / عقلیت به سنت توفیق الهی

۱۷۸ / آن عزم به سنت اهلک یا امحلال

۱۸۵ / اعراف به سنت استدراج

۱۹۶ / اعراف به سنت تأثیر نیکی و بدی در کسوف

نتایج شناخت قوانین جهان خلقت :

آشنایی ما با نشانه های الهی - در عظمت حقائق آن ها - بهره مندی از طبیعت

نتایج شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان :

تنظیم در دست راهبوی انسان با خود، دیدار، جهان خلقت و خداوند - همواره بر درن راه رسیدن به کمال

برخی از سنت های الهی :

۱) امتحان و ابتلا به هر بوط به چگونگی و فراوانی رسد و تکامل انسان و عاقل ضمیر و پروردگارا است. امام صادق (ع) فرمود: «... بر استیجاب که عقوبت بر غیرش کفایت ترازدست و خردنازه اینها نش از دره شود» امتحان نیز سبب توبی شود.

۲) امداد الهی به سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود راه حق یا باطل را ببرد و در راه راستی بر آید و در راه گمراهی گمراهی گردد و در راه راستی راه را بر او فراهم شود که در راه راستی گمراهی نگردد، بدین رود و برکت خود را آشکار کند.

۳) توفیق الهی : امداد خاص خودی متعلق نسبت به آن که با نیت یا اراده حسن فاعلی، قدم در راه حق گذاردند و دستورات جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند و توفیق الهی نام دارد. یکی از جلوه های این توفیق، نصرت و کفایت الهی به دنبال تلاش و صحیح هدایت است.

۴) اهلک و استدراج : اهلک به آن که راه باطل را ببرد و برکتی در باطن و با حق عناد و دشمنی می درزند و خداوند بدین ها صبر است فرصت زندگی می دهد ولی آن ها این فرصت را وسیله غیور در گشودن در تالیف ها قرار می دهند. از جمله سنت های حاکم بر زندگی پناه کاران سنت «اهلک» یا «امحلال» نام دارد.

استدراج به اهل در است اهلک یا امحلال است؛ یعنی همواره با محالیت دادن به اهلکات آنها را می افزاید تا به تدریج به سنت هلاکت نزدیک شوند.

۵) تفاوت در پاداش و کیفر : از آنجا که خداوند با فضل خود با نیت و رفتار می کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش و عتاب می دهد.

۶) تأثیر نیکی و بدی در کسوف است : کسوف و خورشید یا ماه در دین به ما می آموزند که زندگی ما به نیت تحت تأثیر رفتارها ما است.

۷) امام صادق (ع) فرمود: «... از سستی که در باطن است که هرگز نمی میرد، پس ترند و سستی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند از سستی که به عمارت نیکی می کنند، پس تر اند». / ۶۷ / می تواند سبب بسیاری از خوبی ها و مانع بسیاری از بلاها گردد.

علم خداوند مخفی به تئوری یا بانی فرا نرسد و بلند به سلسلهی تصمیم ها و عوامل دلیر می شود و آن فرا نرسد نیز متعلق است. در حقیقت به علم خداوند بر اساس علم به تمام عوامل جزئیات است و نه در این پس این صرف در باره می نتواند.

در پایه گشت

۱۱. / نساء - ظلم بر خود با انجام گناه و یافتن حجت و مغفرت الهی پس از طلب آمرزش.  
۳۹ / مائده - بازگشت (توبه) بندگانی که گناهند و مراحل رسیدن به آمرزش پس از ظلم بر خود.  
۷۰ / فرقان - تبدیل گناهان به نیکی‌ها، در کفر و انجام توبه، ایمان و عمل صالح.

- انقلاب علیه خود دانی (تضرع آثاره) که برفع خود عالی (تضرع کواقر) - انقلاب علیه خود.  
- خمی یا بپزند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رندی می‌کنیم و آنرا او بر نردن ما بپزند است (بی یا بپزند ۱۱).

- جزای شون گرد زدی ماست و در نماز او را هم بر تو فرموده و ما کجای ما.  
- گاهی حیرت مملنی بر تو رخ افزون می‌یابد و داندی ناه آن چنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و قدرت بر خاموشی می‌گراید در این صورت حجت الهی زدن عوض می‌شود و آنی نیست به جز آنه بر سویی که شیطان و وسوسه‌اش می‌کند، قدم بر می‌دارد.

- توبه گناه و عبادت بر آن، از نیکوکاران است و در وادی غفلت است.  
- تلخ ترین و دلچسب‌ترین آن گناه‌های نبرد است غفلت از گناه و خداوند بر انسان‌ها در غفلت از گناه.  
- امام صادق (ع): «چنان از خدا خوف داشته باش که از او ایستد، پس اگر تو را از انگی بینی، او تو را ایستد و اگر تو را ایستد، او تو را ایستد و اگر تو را ایستد، او تو را ایستد».

- توبه ای انقلاب علیه خود که حاصل توبه ای است بر اساس ایمان می‌دهد راه رفتن را باز کرد و فرصت‌ها از دست داده را جبران نماید.  
- آوب یعنی بازگشت و در مورد بندگانی بازگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداست و در مورد گناه، به معنی بازگشت کف و آمرزش الهی بر انسان توبه است.  
- توبه گناهانی را از قلب خارج می‌کند و آن را گشت و توبه ای دیگر است برایش یا تخمید.  
- توبه نه تنها گناه را می‌کشد، بلکه به بعد ایمان و عمل صالح و گناهان را بر گشت تبدیل می‌سازد.  
- توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحولی درونی و قلبی است که آن را گناه را محو می‌کند. این تحول بنا بر کلام حضرت علی (ع) دارای سه مرحله است:  
۱- توبه ای از گناه: تا وقتی که شریعت گناه در جهان آدمی باقی است و از خاطر می‌گذرد، احساس گناه می‌کند و توبه ای آغاز شده است.  
۲- توبه ای معمولی: با استغفار همراه است.

۳- توبه ای عظیم: بر توبه ای که در آن نیت، اظهار توبه، ظاهر توبه و لفظ توبه، استغفار، در حال گذر از گناه، نیت توبه ای بر توبه ایست و بلکه استغفار را می‌خواهد که گناه را محو کند. امام رضا (ع): «اگر کسی که از گناه استغفار کند و در عین حال، انجامش دهد مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است».

۴- جبران حقوق مردم (حق الناس) - جبران حقوق الهی: مهم‌ترین حق خدا بر انسان‌هاست حق اطاعت و بندگی اوست.  
- در مرحله اول عبادت به گناه را از بین می‌برند.

۵- راه اصلاح جامعه از انحراف از مسیر توحید به انجمن و فتنه‌های امر به معروف و نهی از منکر است. (تفاوت کلماتی).  
- اگر به تدریج انحراف از حق را بشود بداند، اصلاح جامعه مشکل می‌شود و تلاش‌های نیکوکاران و فضا گیت‌های این امر را نمی‌تواند.  
- حضرت علی (ع): «از کسانی مباش که بدون عمل، دل برداشتند و به سعادت آرزوی طولانی، توبه را بر نماندند و خداست، در باره دنیا راه‌اندازی نمی‌کنند و دنیا را دوست ندارند».  
- خویش را در دوره جوانی براهید توبه کردن در دوران پیری، خیلی سخت‌تر است.  
- پیری محصل گشت جوانیست.  
- فریب نبرد شیطان نیست که لذت گناه را بیشتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد.

درباره پدیده‌های استوار

۱۶۲ / آنچه به اعتقاد و ایمان برخود (توحید) مبارزه با شرک و انبیا به معاد و معیار از معیارهای تمدن اسلامی.

۱۸۹ / شهادت به کعبیت از فرمان‌های خدا، رسول و صاحبان امر (قبول ولایت الهی) از معیارهای تمدن اسلامی.

۱۹۰ / شوری به تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایه‌ی عدل و مبارزه با روابط ظالمانه از معیارهای تمدن اسلامی.

۱۹۱ / ضرورت توجه به تقابل و برخورد دینی و فترت خاندان بعلمان و صاحبان خرد از معیارهای تمدن اسلامی.

۲۹ / قطع به دوستی با حق و دشمنی و شدت عمل با باطل از معیارهای تمدن اسلامی.

۳۵۱۳۴ / اعتراف به دیدگاه متفکران اسلام نسبت به نجات دنیوی و اخروی و توجه به آخرت و معین نوشتن برای آبادانی زندگی دنیوی.

۴۱ / روم به احیای منزلت زن و جایگاه بالایی خانوار به عنوان کانون رشد انسان‌ها با فضیلت و عقل سلوین، عودت رحمت

- لغو از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نقش انسان‌ها و تحولی بنیادین در نسبی زندگی فردی و اجتماعی مردم بود.

- پایه‌های تمدن اسلامی که پایه‌های آن را بجا نهاد:

۱- اعتقاد و ایمان برخود و مبارزه با شرک و ایمان به معاد و تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی:

- پایه‌های تمدن اسلامی در کنار دعوت به توحید، اقی تله انسان‌ها را از محرومی تک دنیا فراتر برده، منبذین را با استدلال‌ها محکم و انظار با حقیقت متار آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

۳- قبول ولایت الهی و نفی ولایت طاغوت.

۴- تحکیم بنیان خانوار و احیای معارف منزلت زن به عنوان محور خانوار .. رسول خدا (ص) با لقا و در مقام خویش انقلابی عظیم ایجاد آورد.

۵- دوستی با حق و دشمنی با باطل: ایجاد نقش جدید در جایگاه (عزت) بود که موجب تحول در روابط بین ملت‌ها (محتول) گردید.

رسول خدا (ص) از مسلمانان بر حق و عدل که با کمالی خود در برابر جهان پیوند برادری برقرار کند و مانند اعضای یک خانوار از لیدر دفاع کند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کند و بار مسئولیت‌ها را بر عهده‌شان بگذارد.

۶- اعتدال برای در توحید به هدایت ایجاد و تقوی و صبر و صبوری از نفع‌های دنیوی و اخروی: جامعه‌ی اسلامی نه تنها با اخلاق نیرین و صفتی نیرین

جامعه، بلکه با آبا و اجداد نیز باشد.

۷- مبارزه با فساد و جهل و خرافات و دعوت به تقابل و فکر و خردورزی:

- نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت به در این کتاب به خردورزی و دانش از لای طرف و کسوف‌ها (اللهم رسول خدا (ص) از طرف دیگر

(عزت) و خرافات را شکست و لای از جاهل‌ترین جزایع آن روز را متساق علم اساحت (محتول).

۸- حاصلت عدالت در روابط میان انسان‌ها (به خصوص در روابط اقتصادی و سیاسی) و مرد ظلم و بی‌عدالتی از جاست:

- رسول الله (ص) از ظرفیتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی جامعه بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابر و مساوات در جامعه که همان سفارده را می‌نمود.

از هیچ‌کس در این راه فروگذار نمی‌کرد.

- یکی از جنبه‌های عدالت خدا (ص) مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات نژادی بود. انسان‌ها همگی امتیازات از آفرینی را برخوردارند.

قوی را بر قوی دیگر برتر ندانست.

## در پرتو احادی پیرای فردا

- ۱۴۳۰ / تقویم - مقام اللوی پذیرندگان دعوت اللوی پیامبر (ص) در جبهه جوی اسلامی (موقفیت و مسئولیت ویژه ی مسلمانان در جهان)
- ۱۵۶ / ماده ۶ - شرح طبریزی و سیر المندی به پذیرش ولایت خدا و رسول او و جانشینان ایشان.
- ۱۶۸ / اعتراف - تقویت ایمان و اراده برای تقویت توانایی های فردی.
- ۱۷۵ / اخلاص - تأکید بر صفاتی عقلانی و خردمندانه ی دین برای حضور مؤثر در جبهه جوی جهانی

- ما به عنوان ایرانی مسلمان به دو جنبه ی بسیار هوشمند و زیبا نیست سر از استیم به هر چه این نظام استعدادهای و آفرین انطه اسلامی و دیگری بیرونی در جهان است  
نتایج دو جنبه ی:

- ۱- اعتقاد مردم جهان را درباره تأثیر این نبوغ در بیرونی های و اثرات مثبت حکومت عینی بر دین همین اسلام افزایش داد.
- ۲- آنگاه نسبت به نظام استعماری جهانی آگاه تر کرد و برای رسیدن به هدفیات و عدالت و مساوات و پیشرفت ساخت.
- ۳- رسیدن بر این ارزش ها را خواست حکومتی بسیاری از ملت ها قرار داد.

- حجم تحمل رنجت ها و درنگ ها و فداکاری ها و جان نثاری ها و مجربیت دهه مناسب حجم نیروی مقصود و ارزشمند و علو رتبه ی آن است.  
- با توجه به اهمیت این اقدام نیز در (تلاش برای جبهه تمدن جهانی اسلام) برنا مدهای پیشنهادی:  
+ تقویت توانایی های فردی؛ تلاش برای کسب آگاهی ذهنی از تمدن اسلامی و تمدن جدید - تقویت ایمان و اراده.  
+ تکلیف بنیان خانواده.

+ تقویت بنیان های جامعه؛ همداه کردن دیدگان با خود - تلاش برای پیغام نرسدن در علم و فناوری - استعمار بجهتین به نظام اسلامی - تقویت عزت نفس  
لذات غیره - تقویت پایه های استقلال پرده ملت - مانع تسلط بیگانگان.  
- بهترین عامل برای حضور و راه در میان افکار جهانی استعمار بجهتین به نظام اسلامی - بهترین عوامل:  
استقامت پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر - توسعه ی عدالت در همه ی اجزای - تقویت اتحاد علمی و انبوه اسلامی و مسألت عمومی - عمل به امر به معروف و نهی از منکر.  
- ایمان و باور به اینکه ما همی توانیم «رنده کندی تمدن اسلامی و نیز رکن دین نیروی راه و گذر از روزگار که لغت آن است.

+ حضور مؤثر و فعال در جبهه جوی جهانی؛ پیام اسلام، پیامی برای طورت انسانها است.  
له تأکید بر صفاتی عقلانی و خردمندانه ی دین؛ کارآمدی به کارگیری روش های تبلیغی و تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است.  
استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام  
- مبارزه با استعماران و تقویت فرهنگ و جهاد و شهادت و صبر.

## در زندگی در دنیای امروز

۱.۹. آداب و معاشرت اساس و پایداری زندگی مؤمنان و نیکوکاران و تقویت اخلاق استوار در صورت بی توجهی به احکام خداوند.

- دولت و ملت مربوط به احکام زندگی در دنیای امروز است که بر وجود عدالت در احکام و دستور است. که بر بنیاد زندگی بر پایداری علم خداوند.

- برخی احکام زندگی در دنیای امروز:

- ورزش و بازی اگر به قصد آموختن پس تربیتی انجام وظایف الهی باشد مستحب - پاداش اخروی.

- شرط نبی از امور دنیای او رنجی و اجتناب است و انجام آن، حتی در بازی و ورزش های معمولی، حرام است.

- قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته می شوند، اگر چه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار

- دادن جایزه توسط سازمان ها، نهادها و افراد به ورزشکاران حرام است.

- اگر ورزش برای دور کردن افراد جامعه از فساد و بی بندوباری های دنیای کفری ضرورت یابد، فزونی کردن امکانات آن واجب لغایب است.

- بازی با ابزار قمار از طریق رایانه، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می باشد.

- تولید فیلم های نفسی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی، اجتماعی که به نیت اعتقاد فرهنگی اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در ارتباط ضروری واجب لغایب است.

- تولید سایت ها، نشریات اینترنتی به منظور آشنایی و معرفی فرهنگ و معارف اسلامی و تقویت ایمان و اندیشه ها، گفتار و اندیشه های اخلاقی، مستحب است.

- تولید انواع آنا، هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تحلیف فرهنگی و ابتدال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات لغایب و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

- موسیقی الهوی و مطرب که مناسب با مجالس عین و نوش باشد حرام محسوب می شود.

- خرید و پوشیدن لباس های که توسط دولت ها استجاری تولید شده اند، با وجود شرایط زیر حرام است:

- اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی باشند باشد.

- باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استعمار کشورهای اسلامی شود.

- مخبرانه وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد.

- به طور کلی، تولید از مدلهایی که تولید کنند به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنان را به دنبال دارد، حرام است.